

زبان انگلیسی ۲
سال دوم دبیرستان
درس اول

Lesson one

Vocabulary	تلفظ	لغت: ترجمه فارسی
According to	اکوردینگ تو	بر طبق
banana	بُن نا	موز
bill	بیل	صورتحساب
cage=a box made of bars	کیج	قفس
Cassette player	کاست پلی یر	ضبط صوت
Copy	کاپی	رونوشت
decide=make decision	دی ساید	تصمیم گرفتن
Do right	دورایت	درست انجام دادن
Find out= understand	فایند آوت	فهمیدن
For a while	فورابل	برای مدتی
Get cold	گت کُلد	سرما خوردن
Give back=refund	کیوَبَک	پس دادن
Keep on=continue	کیپ آن	ادامه دادن
Lanquaqe lab	لنگوویچ لَب	آزمایشگاه زبان

Make a mistake	مکِ اِمسِ تِک	اشتباه مرتکب شدن
math	مُث	ریاضی
Motorcycle	موٹو سائی کِل	موتور سیکلت
Passage	پُسیج	گذرگاه - پاساژ - محل عبور
Pick up	پیک آپ	برداشتن
politely ≠ impolitely	پولایت لی	مودبانه
puzzle	پازل	معما - جدول
Request	ری کورِست	خواهش کردن - تقاضا
reward	ری وارد	جایزه ، پاداش
right=directly	رایت	راست - درست
Run out of= finish	ران آوت آلو	تمام شدن از
slice	اِس لایس	برش - قاچ
Sugar	شوگر	شکر
take=separate	تیک	از هم جداشدن
Tape	تیپ	نوار
Unhappy ≠ happy	آن هپی	غمگین
unusual ≠ usual	آن یوژوآل	غیر عادی
upset = angry = sad	آپ ست	ناراحت

Would you mind

وُ ویومانید

آیا لطف می کنید؟

You're welcome

یورولکام

خواهش می کنم، خوش

آمدید

A.New Words

لغات جدید

1. There are a banana and a slice of cake on the plate

یک موز و یک برش کیک در بشقاب است.

What are there on the plate?

در بشقاب چه چیزی وجود دارد؟

- there are a banana and a slice of cake on the table.

روی میز یک برش کیک و یک موز در بشقاب وجود دارد.

Is there a slice of banana on the plate?

آیا یک قاچ موز در بشقاب است؟

No, there isn't a slice of banana on the plate

نه، یک قاچ موز در بشقاب نیست.

2. This monkey learns very fast when she does the puzzle

right, the man gives her a reward

این میمون خیلی سریع یاد می گیرد

وقتی او معما را خوب انجام می دهد، مرد به او یک جایزه می دهد.

Can she do the puzzle right?

آیا او می‌تواند معما (پازل) را درست انجام دهد؟

Yes, she can

بله، او می‌تواند

Why does the man give her a reward?

چرا آن مرد به او یک جایزه می‌دهد؟

- Because she does the puzzle right.

زیرا او (میمون) معما را درست انجام می‌دهد.

Do you do your home work just for a reward?

آیا شما تکلیف خود را فقط برای (دریافت) یک جایزه انجام می‌دهید؟

No, I don't do my home work for a reward.

نه، من تکلیفم را برای دریافت یک جایزه انجام نمی‌دهم.

3. This puzzle is too hard for me

این معما برای من خیلی سخت است.

I can't find out how to do it.

من نمی‌توانم بفهمم که چگونه آن را انجام دهم.

If you keep on trying, you'll soon learn how to do it.

اگر شما به تلاشتان ادامه دهید، به زودی یاد می‌گیرید که چگونه آن را حل کنید.

Does he know how to do the puzzle?

آیا او می داند که چگونه معما را حل کند؟

-No he doesn't

نه، او نمی داند

What should he do?

او بایستی چه کند؟

-He should keep on trying hard

او بایستی به تلاش خود با جدیت ادامه دهد.

4. Mother, please bake a cake for us today.

مادر! لطفا امروز برای ما یک کیک پز.

Sorry, I can't, we're run out of sugar.

متاسفم، نمی توانم. شکرمان تمام شده است.

Why can't she bake a cake today?

چرا او امروز نمی تواند یک کیک پزد؟

Because they have run out of sugar.

زیرا آنها شکرشان تمام شده است.

5. You have many books. May I borrow one of them?

شما خیلی کتاب دارید. آیا ممکن است من یکی از آن را قرض بگیرم؟

I'll give it back in two days.

من در مدت دو روز آن را پس می دهم.

What does she want to borrow?

او چه می خواهد قرض بگیرد.

-She wants to borrow one of the books.

او می خواهد یکی از کتابها را قرض بگیرد.

Is she going to give it back soon?

آیا او قصد دارد آن را به زودی پس بدهد؟

Yes, she'll give it back in two weeks

بله، او آن را در ظرف دو روز برمی گرداند.

6. He is taking the clock a part

مشغول تکه تکه کردن ساعت دیواری می باشد.

what is he doing?

او چه می کند؟

He is taking the clock apart.

او مشغول از هم باز کردن ساعت دیواری است.

7. He picked up the newspaper and looked at the

Pictures, carefully.

او روزنامه را برداشت و با دقت به عکسها نگاه کرد.

What did he pick up?

او چه برداشت؟

He picked up the newspaper

او روزنامه را برداشت.

What did he do then?

بعد او چه کار کرد؟

He looked at the pictures carefully

او با دقت به عکسها نگاه کرد.

8. They are going to build a language lab in our high school

آنها قصد دارند یک آزمایشگاه زبان در دبیرستان بسازند.

We will listen to tapes in the language lab.

ما در آزمایشگاه زبان به نوارها گوش می دهیم.

What are they going to do?

آنها قصد دارند چه کار کنند؟

They are they going to build a language lab.

آنها قصد دارند یک آزمایشگاه زبان بسازند.

What will we' do there?

ما در آنجا چه کار خواهیم کرد؟

You will listen to tapes there.

شما در آنجا به نوارها گوش خواهید کرد.

Practice your New Words

لغات جدید خود را تمرین کنید

Fill in the blanks with new words from this lesson.

جاهای خالی کلمات را با لغات جدید از درس پر کنید.

1. Give me a **slice of** cheese

یک برش پنیر به من بدهید.

2. I tried very hard but couldn't do **it right**

من خیلی سخت سعی کردم اما نتوانستم آن را به درستی انجام دهم.

3. Let's buy some tea. We've run **out** of tea.

بیا بید قدری چای بخریم. چای ما تمام شده است

4. A language **lab** is a very good place to learn English

یک آزمایشگاه زبان مکان خیلی خوبی جهت فراگیری انگلیسی است

5. She was very tired but she wanted to **keep on** working

او خیلی خسته بود اما او میخواست بکار کرد ادامه دهد.

Reading

مطلب خواندنی

WASHOE AND THE PUZZLES

1. washoe is a monkey she lives in a lab

واشو یک میمون است. او در آزمایشگاهی زندگی می کند.

The lab is a place where men and woman study monkeys and other animals.

آزمایشگاه مکانی است که مردان و زنان میمونها و سایر حیوانات را در آنجا مورد مطالعه قرار می دهند.

They study the animals to find out how they learn.

آنها حیوانات را مورد مطالعه قرار می دهند تا بفهمند که آنها چگونه یاد می گیرند.

2.one day a man put a puzzle in was hoe's cage.

روزی مردی معمایی را در قفس واشو گذاشت

Washoe had to take the puzzle apart.

واشو بایستی این پازل را از هم باز کند.

Each time she did it right. The man gave her a slice of banana

هر دفعه که او این را درست انجام می داد آن مرد به او یک قاچ موز می داد.

That was her reward.

این جایزه او بود.

3.washoe didn't eat the banana slices.

واشو قطعات موزها را نمی خورد.

She just put them there.

او فقط آنها را آنجا (کنارش) می گذاشت

4.The man made the puzzle harder.

آن مرد پازل را سخت تر کرد.

But was hoe soon leaned how to take it apart

اما واشو بزودی آموخت که چگونه آنها را از هم جدا کند.

5.Then the man ran out of banana. What now?

بعد موزهای آن مرد تمام شد . حالا چه می شود؟

Would she keep on doing puzzles without a reward?

آیا او (میمون) بدون اجازه به انجام پازلها ادامه می داد؟

6. Washoe looked at him. She waited

واشو به او (آن مرد) نگاه کرد او منتظر ماند.

The man gave her the next puzzle

مرد پازل بعدی را به او داد.

Washoe took it apart

واشو آنها را از هم باز کرد.

Then she picked up a slice of banana

بعد او یک تکه موز را برداشت.

She put it out side the cage for the man!

او آن (قطعه موز) را بیرون از قفس برای مرد گذاشت.

7.And so it went. The man would give was hoe a puzzle

و این کار ادامه یافت . مرد به واشو یک پازل می داد.

And she would give back a banana slice

و او (میمون) یک قاچ موز را برداشت.

She kept on until she had returned all the bananas.

او به این کار ادامه داد تا تمام موزها را برگرداند.

8.washoe learned many new puzzles that day

واشو پازل‌های جدید زیادی آن روز یاد گرفت

And the man learned something too.

و مرد نیز چیزی آموخت.

He learned that some monkeys don't work puzzle only to get

Food

او آموخت که بعضی میمون‌ها پازلها را فقط برای بدست آوردن خوراکی انجام نمی دهند.

They do puzzle for the fun of it. Just like you and me!

آنها پازلها را برای تفریح انجام می دهند - درست مثل شما و من

C. Comprehension

درک مطلب.

Answer these questions orally

به این سؤالات شفهاً پاسخ دهید.

1.why do they study animals in a lab?

جرا آنها حیوانات را در آزمایشگاه مورد مطالعه قرار می دهند؟

They study animals to find out how they learn

آنها حیوانات را مورد مطالعه قرار می دهند تا بفهند چگونه آنها می آموزند.

2.where did the man put the puzzle?

آن مرد پازل را کجا گذاشت؟

He put it in was hoe's cage

او آن را در قفس واشو گذاشت

3. What did Washoe have to do with the puzzle?

واشو بایستی با پازلها چه می کرد؟

She had to take the puzzles apart.

او می بایستی آنها را از هم جدا می کرد.

4. What did the man learn that day?

آن مرد در آن روز چه چیزی یاد گرفت؟

He learned that some monkeys don't work puzzles only to get
food.

او آموخت که بعضی میمونها پازلها را فقط برای به دست آوردن خوراکی انجام نمی دهند.

5. Are all monkeys as clever as Washoe?

آیا همه میمونها به باهوشی واشو هستند؟

Yes, maybe the entire monkey is as clever as her

بله، ممکن است همه میمونها به زرنگی او باشند.

6. Do you like to play with a monkey like Washoe?

آیا ما دوست دارید با یک میمون مانند واشو بازی کنید؟

No, I don't like it.

نه، من آن کار را دوست ندارم.

True or False?

ترجمه این بخش نوشته شد درست یا غلط بودن آن را با T یا F می آوریم.

۱- بعضی مردم حیوانات را در آزمایشگاهی نگه می دارند زیرا حیوانات می توانند

خیلی چیزهای جدیدی را در آنجا بیاموزند (F)

۲- واشو همیشه پازلها را به درستی انجام نمی داد. (T)

۳- واشو وقتی که پازلها را انجام می داد، تکه های موز را نمی خورد. (T)

۴- بعد از این که آن مرد موزهایش تمام شد، واشو دوست نداشت که پازلها را
انجا دهد. (F)

۵- انسانها و بعضی میمونها پازلها را فقط برای سرگرمی انجام می دهند. (T)

Complete the sentences. Use a, b, c or d

1. Why would the man give Washoe a slice of banana?

چرا مرد به واشو یک قطعه موز داد؟

a. Because Washoe was very clever

زیرا واشو خیلی باهوش بود. پاسخ (a)

2. what Washoe did was very unusual.

آنچه واشو انجام داد خیلی غیرعادی بود (b)

3. According to the passage, Washoe liked doing puzzles.

بر طبق درس واشو انجام دان پازلها را دوست داشت پاسخ (a)

4. The man learned new things about monkeys.

آن مرد چیزهای جدیدی درباره میمونها آموخت (پاسخ c)

Speak Out

«گرامر درس اول»

تعریف گذشته کامل (ماضی بعید)

کاری است که در گذشته‌ای دور یعنی دورتر از گذشته ساده انجام شده و کامل شده است سپس گذشته ساده انجام شده است .

فرمول + مفعول + Had + p.p + فاعل

We had seen this mosque before

نکته: برای سوالی و منفی کردن این زمان از فعل کمکی had برای همه فاعلها به طور یکسان استفاده می‌کنیم.

Had you washed your hands before you ate your lunch?

آیا شما قبل از این که نهارتان را بخورید دستهایتان را شسته بودید؟

کاربرد این زمان:

۱- وجود حرف اضافه Before , after در جمله مرکب همراه یک فعل زمان

گذشته ساده I went for the race after he had learned how to swim

بعد از این که آموخته بود چگونه شنا کند به مسابقه رفت

گذشته کامل ← Befor → گذشته ساده
گذشته کامل ← After → گذشته ساده

I had studied this story before you came back

من این داستان را مطالعه کرده بودم پیش از این که شما برگشتید.

* وجود قید previously (قبلاً)

Previously, they had cleaned this place

قبلاً آنها این محل را تمیز کرده بودند.

* وجود by the time (تا وقتی که) همراه یک فعل گذشته ساده

گذشت کامل + گذشت ساده + By The time

My father had left home by the time I arrived

زمانی که من وارد خانه شدم برادرم خانه را ترک کرده بود.

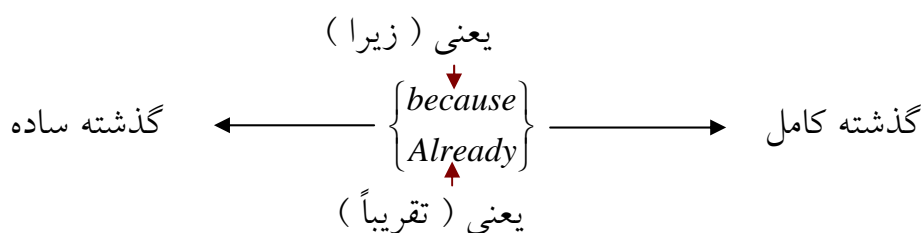
* در زمانی که when در جمله باشد می توانیم از گذشته کامل و گذشته ساده

و گذشته استمراری استفاده کنیم.

گذشته کامل
گذشته استمراری
← When → گذشته ساده

* در زمانی که because, already در جمله باشد می توانیم از گذشته کامل و

گذشته ساده استفاده کنیم.



*he had already learned how to swim when he was 8
years old

Speaking 1

گوش کنید و تکرار نمایید.

در این قسمت شما مطالب را با صدای بلند برای خودتان تکرار کنید. و معنی این جملات به شرح زیر است:

ساعت ۱۰ شب بود. علی می‌خواست به رختخواب برود. او خیلی کارها را قبل از این که به رختخواب برود انجام داده بود.

۱- او همه تکالیفش را انجام داده بود.

۲- او به اخبار گوش کرده بود.

۳- او شامش را خورده بود.

۴- او دندانهایش را مسواک کرده بود.

۵- او تلویزیون تماشا کرده بود.

۶- او نمازش را خوانده بود.

۷- او نامه‌ای به دوستش نوشته بود.

۸- او به والدینش شب به خیر گفته بود.

Speaking 2

جایگزینی

لغات را در جملات جایگزین کنید، تغییرات لازم را انجام دهید.

I had eaten a sandwich before I went to bed

من قبل از این که به رختخواب بروم یک ساندویچ خورده بودم.

1. Ali had eaten a sandwich before he went to bed
2. She had eaten a sandwich before she went to bed
3. Mr. Amiri had eaten a sandwich before he went to bed
4. My sister had eaten a sandwich before she went to bed
5. My sister had cooked dinner before she went to bed

در اینجا had cooked تغییر کرده و ضمائر هیچ تغییری نمی کند.

Ali was tired because he had walked for 5 hours.

علی خسته بود زیرا پنج ساعت راه رفته بود.

1. Ali was upset because he had lost his money.

علی ناراحت بود زیرا پولش را گم کرده بود.

2. Ali was sorry because he had made a big mistake.

علی غمگین بود زیرا اشتباه بزرگی کرده بود.

3. Ali was happy because he had helped the old man

علی غمگین بود زیرا اشتباه بزرگی کرده بود.

4. Ali was unsent because he had got bad mark

علی ناراحت بود زیرا او نمرات بدی گرفته بود.

5. Ali was tired because he had worked very hard

علی خسته بود زیرا خیلی سخت کار کرده بود.

6. Ali was happy because he had finished his homework

علی خوشحال بود زیرا تکلیفش را تمام کرده بود.

7. Ali was tired because he had worked on the farm.

علی خسته بود زیرا روی مزرعه کار کرده بود.

به این سوالات جواب دهید، از مثال کمک بگیرید **Speaking 3**

Model: Had you washed the dishes before they arrived?

(Clean the room.)

آیا شما ظرفها را قبل از ورود آنها شسته بودید؟ (تمیز کردن اتاق)

No, I had n't

نه، من این کار را نکردم.

I had cleaned the room before they arrived

من اتاقها را تمیز کرده بودم قبل از این که آنها وارد شوند.

1. No, he hadn't

He had written a letter before I telephoned him

2. No, They hadn't.

They had learned English before they left the country

3. No, he hadn't

John had bought the tickets before the match started

4. No, he hadn't

He had lived there for a few years before I met him

5. No, I hadn't

I had put the dishes on the table before I went out

6. No, she hadn't.

she had cleaned the rooms carelessly before they arrived .

She had cleaned

write it Down

یادداشت کنید

Writing 1.

این جملات را با کلمه because بهم ربط دهید.

1. Ali was very tired last night because he had played football all afternoon yesterday.

علی دی شب خیلی خسته بود زیرا تمام بعدازظهر دیروز را فوتبال بازی کرده بود.

2. Ahmad played ping-pong very well because he had practiced ping-pong for many years.

احمد پینگ پنگ را خوب بازی می کرد زیرا آن را چندین سال تمرین کرده بود.

3. The boys decided to rest because they had walked for 10 kilometers.

پسران تصمیم گرفتند که استراحت کنند زیرا آنها ده کیلومتر راه رفته بودند.

4. Mrs Jones was very happy because she had found her little son

خانم جونز خیلی خوشحال بود زیرا پسر کوچکش را پیدا کرده بود.

5. Jame didn't go there because they hadn't invited her

جین آنجا نرفت زیرا آنها او را دعوت نکرده بودند.

6. Mr White didn't wear the shirt because his wife hadn't

Washed it

آقای رایت پیراهنش را نپوشید زیرا همسرش آن را نشسته بود.

Writing 2

به سؤالات زیر پاسخ دهید. از کلمات داد شده در پرانتزها استفاده کنید.

* در این تمرین شما کاربرد گذشته ساده و گذشته کامل را یاد می گیرید.

1. I was unhappy last night because I had read a sad story

2. I left my office early because I had finished my work

3. He didn't eat the fruits because he hadn't washed them

4. Jane was so happy because she had got very good marks

5. He was so upset because he had made a lot of mistakes

6. I didn't let sally watch TV because she had not done her homework

7. Mary didn't go to their party because they had not invited her.

8. I gave her my book because she had lost her book

H.Vocabulary

مرور لغات

جاهای خالی را با این افعال پر کنید.

1. Do you usually **got up** early in the morning?
2. Please **turn down** the TV I want to study.
3. Don't you want to **give baek** the money you borrowed from me?
4. He **picked up** aslice of bread and gave it to me
5. They'll soon **find out** who has taken the money
6. **Put on** your coat ! It may get cold
8. my father **came back** from work very late last night

معنی لغات

- ۱- کم کردن ۲- برگشتن ۳- از خواب برخاستن ۴- پوشیدن
۵- لباس درآوردن ۶- برداشتن ۷- برگرداندن ۸- فهمیدن، دریافتن
برای حل اینگونه تمرینات ابتدا معنی لغات را نوشته سپس به حل تمرین پردازید.

موفق باشید

الهه شاهقلی

زبان انگلیسی ۲
سال دوم دبیرستان
درس دوم

Lesson one

در این قسمت شما علاوه بر ترجمه فارسی میتوانید مترادف بعضی از لغات را مشاهده کنید.

Vocabulary	تلفظ	لغت: ترجمه فارسی
a lot	الات	زیاد
all day long	آی دی لانگ	تمام روز
around=various place	راؤنڈ	اطراف
both=the two	بُوث	هر دو
camera	کَم را	دوربین عکاسی
centimeter	سِن تی می تر	سانتیمتر
earth=the world	اِرت	کره زمین
every where	اِ وری وِر	هر کجا
face=to have your face	فِس	روبرو شدن
falt= level	فال	افتادن
fewer=a small number of	فیوور	تعداد کمتر

flat= smooth and
level

صاف فَلَـت

get out of=leave

ترک کردن گت اوت آو

go around

به اطراف رفتن گو آراوند

hers

مال او (مؤنث) هرز

his

مال او (مذکر) هیز

hold = keep

نگهداشتن هولد

hole=an opening

سوراخ هول

inside=in

داخل این ساید

Its

مال او (ضمیر ملکی) ایتس

Knife

چاقو نایف

knowledge=information

دانش ناوِلج

like=similar

مانند لایک

lots of

مقدار زیادی لاتزآو

mine

مال من ماین

navy

سرباز نیروی دریایی نی وی

ours

مال ما آورز

photograph

عکس فتوگراف

photographer

عکاس فتوگرافر

plant life

زندگی گیاهی پلنت لایف

rather = quite / some extent	رادر	نسبتاً - تا حدی
rock	راک	صخره - تخته سنگ
Russian	راشن	روسی
sailor	سی لور	ملوان
seem = like	سیم	بنظر رسیدن
space = an place that is not used	اسپیس	فضا
space ship	اسپس شیب	سفینه فضایی
steal = to take thing from a person	استیل	دزدیدن
take a photograph	تیک اف تو گراف	عکس گرفتن
the other	دی آدر	دیگری
theirs	دیرز	مال ایشان
till	تیل	تا
understand = realize	آندر استند	فهمیدن
wide = measuring a lot from one side to the other	واید	پهن
windy	ویندی	بادی
would like	وُد لایک	تمایل داشتن
yours	یورز	مال شما

New Words

لغات جدید

1. I have two brothers. Both of them are in the navy.

من دو برادر دارم. هر دوی آنها در نیروی دریایی هستند.

Is one of my brothers a teacher? آیا یکی از برادرانم معلم است؟

he isn't. - No نه آن نیست.

Are both of them sailor? آیا هر دو آنها ملوان هستند؟

They are. - Yes بله آنها هستند.

2. If you want to take a photograph, you must have a camera.

اگر می خواهید عکسی بگیرید باید یک دوربین داشته باشید.

what do we do with a camera? ما با یک دوربین چه می کنیم؟

- we take a photograph with it. ما با آن یک عکس می گیریم.

what does a photographer do?

یک عکاس چکار می کند؟

- He takes pictures.

عکس می گیرد.

3. A man has made a big table. It is 100 centimeters wide.

مردی میز بزرگی ساخته است. آن میز ۱۰۰ سانتیمتر عرض دارد.

How long is the table?

طول میز چقدر است؟

Is is 200 cm.

۲۰۰ سانتیمتر است.

How wide is it?

این میز چقدر عرض دارد؟

It is 100 cm.

۱۰۰ سانتیمتر.

How high is it?

بلندی این میز چقدر است؟

It is 60 cm.

۶۰ سانتی متر.

4. *This is my bench. I sit on this bench, and my friend sits on the other bench.*

این نیمکت من است. من روی این نیمکت می نشینم و دوستم روی نیمکت دیگری می نشیند

Do we sit on one bench? آیا ما هر دو بر روی یک نیمکت می نشینیم؟
you don't. No نه شما نمی نشینید.

who sits on the other bench?

بر روی یک نیمکت دیگر چه کسی می نشیند؟
- *your friend.* دوستتان.

5. *The cameras in the spaceships have taken lots of pictures of the moon.*

دوربینهای داخل سفینه های فضایی عکسهای زیادی را از کره ماه گرفته اند.

Now we know a lot about the moon and space.

حالا ما چیزهای زیادی را درباره فضا می دانیم.

Have the cameras taken many pictures?

آیا دوربینها عکسهای زیادی گرفته اند؟

They have. yes

بله گرفته اند.

How much do we know about the moon and space?

ما چقدر درباره کره ماه و فضا می دانیم؟

we know a lot.

ما خیلی می دانیم.

6. The moon goes around the earth, and both of them go

around the sun.

ماه به دور زمین می گردد، و هر دوی آنها به دور خورشید می گردند.

Does the sun go around moon?

آیا خورشید به دور ماه می چرخد؟

it doesn't. - No

نه نمی چرخد.

Do the moon and the earth go around the sun?

آیا زمین و ماه به دور خورشید می چرخند؟

They do, yes

بله می چرخند.

7. The little cat fell in to the hole. It tried to get out of the hole.

آن گربه کوچک داخل گودال افتاد. او سعی کرد از گودال خارج شود.

what fell into the hole?

چه چیزی به داخل گودال افتاد؟

- The little cat.

گربه کوچک.

what did it try to do?

او سعی کرد چه کاری انجام بدهد؟

- It tried to get out.

او سعی کرد بیرون بیاید.

Practice your New Words.

لغات جدید را تمرین کنید. و جاهای خالی را با کلمات جدید این درس پر کنید.
سعی کنید لغات را در جمله یاد بگیرید.

1. my mother works a lot at home.

مادرم در خانه خیلی زیاد کار می کند.

2. I would like to travel around the world.

من میل دارم به دور دنیا سفر کنم.

3. The garden is fifty meters wide.

پهنای باغ ۵۰ متر است.

4. In one hand she held a knife. In the other one she had a slice of cake.

آن دختر در یک دستش چاقو داشت. در دست دیگرش یک قطعه کیک داشت.

5. Tom is absent. Jack is absent too. They are both ill today.

تام غایب است. جم هم غایب است. امروز آنها هر دو مریضند.

6. Mehdi's pen fell into a hole yesterday.

قلم مهدی دیروز در یک گودال افتاد.

7. you take photographs with your camera.

تو با دوربینت عکس می گیری.

واژگان زیر را در زیر ستونهای مربوط به خود بنویسید.

<u>sea</u>	دریا	<u>land</u>	زمین	<u>sky/space</u>	فضا / آسمان
a ship	یک کشتی	trees	درختان	the moon	ماه
waves	امواج	a village	یک روستا	a space ship	یک سفینه
a sailor	یک ملوان	a train	یک ترن	clouds	ابرها
navy	نیروی دریایی	mountains	کوهستان	stars	ستارگان
fish	ماهی			the sun	خورشید
a boat	یک قایق				

B : Reading The Other Side of the moon

طرف دیگر ماه

1. *Did you know that the some side of the moon faces the earth all the time?*

آیا می دانستید که در تمامی مواقع تنها یک طرف ماه به روی کره زمین است؟

2. *For years and years people looked up at the moon and saw just that one side.*

سالها و سالها مردم به ماه می نگریستند و فقط یک طرف آن را می دیدند.

It seemed that the other side would always be a secret.

به نظر می رسید که طرف دیگر همیشه به صورت یک راز باقی خواهد ماند.

But not very long ago. Things changed.

اما مدتی نه چندان پیش، همه چیز تغییر کرد.

3. *People knew a lot about the side of the moon they could see.*

مردم از آن طرف از کره ماه که قادر به دیدن آن بودند، چیزهای زیادی می دانستند.

They knew it had no air or water or plant life.

آنها می دانستند که آن هیچ هوا و یا آب یا زندگی گیاهی ندارد.

It had tall mountains and flat places called seas.

آن کوههای بلند و مکانهای صاف داشتند دریا نامیده می شدند.

There were lots of holes on it. بر روی آن گودالهای بیشماری وجود داشت.

The holes were made by very big rocks. The rocks fell on the moon from space.

گودالها به وسیله تخته سنگهای بسیار بزرگی بوجود می آمدند. سنگها از فضا بر

روی ماه می افتادند.

some holes were very wide. They had walls as tall as tall buildings.

برخی از این گودالها خیلی وسیع بودند. آنها دیوارهایی به بلندی ساختمانهای بلند داشتند.

4. But what of the moon's other side? what was it like?

اما طرف دیگر کره ماه چی؟ آن چه شکلی داشت؟

5. In 1959 a Russian spaceship went around the moon.

در سال ۱۹۵۹ یک سفینه فضایی روسی به دور کره ماه چرخید.

There were no men in the spaceship.

هیچ انسانی در سفینه فضایی نبود.

But there were cameras that took pictures of the other side of the moon.

اما دوربینهایی در درون آن بودند که از طرف دیگر کره ماه عکسبرداری می کردند.

later other spaceships took more pictures.

بعدها نیز سفینه های فضایی دیگر عکسهای بیشتری از ماه گرفتند.

6. We saw that the other side of the moon is much like the side we see all the time.

ما دیدیم که طرف دیگر کره ماه بسیار شبیه همان طرفی است که همیشه آن را می بینیم.

But it has more boles. It has fewer flat places.

اما گودالهای بیشتری دارد. آن، جاهای مسطح کمتری دارد.

7. So now you know what people who lived before 1959 didn't know.

پس حالا شما چیزی را می دانید که مردمی که قبل از سال ۱۹۵۹ می زیستند، آن را نمی دانستند.

you know what's on both sides of the moon.

شما می دانید که در هر طرف ماه چه چیزهایی وجود دارد .

Comprebension

درک مطلب

در این قسمت شما باید با دقت متن را بخوانید و بعد جوابهای خود را با جوابهای ما مقایسه کنید . ما سعی کردیم در درس اول این کتاب را در این قسمت ترجمه کنیم ولی این کار جنبه راهنمایی دارد در درسهای بعد شما فقط جوابها را می توانید مشاهده کنید.

آیا ما می توانیم هر دو طرف ماه را ببینیم؟

1. Can we see both sides of the moon?

نه ما نمی توانیم هر دو طرف ما را ببینیم.

No, we can't see both sides of the moon.

2. *what did people know about the side of the moon that faces the earth?* مردم درباره آن سمت ماه که بر روی زمین است چه می دانستند؟

They knew it had no air or water or plant life.

آنها می دانستند که آن هیچ هوا، آب و یا زندگی گیاهی نداشت.

3. *What did the Russian spaceship do?* سفینه روسی چکاری کرد؟

I had cameras and took pictures of the other side of the moon.

آن دوربینهایی داشت و عکسهایی از سمت دیگر ماه گرفت.

4. *What did we learn about the moon in 1959?*

ما در سال ۱۹۵۹ چه چیزی درباره ماه آموختیم؟

we learned that the other side of the moon is much like the side we see all the time.

ما فهمیدیم که طرف دیگر ماه خیلی شبیه همان طرفی است که همیشه آن را می بینیم.

5. *How were the holes on the moon made?*

حفره های روی ماه چگونه تشکیل شدند؟

The holes were made by very big rocks.

حفره ها به وسیله سنگهای بزرگ تشکیل شدند.

6. *Does the other side of the moon have mountains, too?*

آیا سمت دیگر ماه نیز کوههایی دارد؟

yes, the other side of the moon has mountains too.

بله، سمت دیگر ماه نیز کوههایی دارد.

True or False

درست یا غلط ؟

در این قسمت شما جوابها و معنی هر جمله را می خوانید. و بعد درست یا غلط بودن را با T یا F مشاهده کنید.

۱- سمت دیگر کره ماه همیشه برای بشر یک راز بوده است. F

۲- اولین عکسهای کره ماه به وسیله یک نفر روسی گرفته شد. F

۳- قبل از اینکه عکسها گرفته شوند مردم فکر می کردند که زندگی گیاهی روی ماه وجود دارد. F

۴- دیوارهای بعضی حفره های وسیع روی ماه به بلندی ساختمانهای بلند است. T

۵- آن قسمت ماه را که همیشه می بینیم از سمت دیگر آن حفره های کمتری دارد. T

جملات زیر را با گزینه های a و b و c و یا d کامل کنید. و سعی کنید ابتدا خودتان جواب را بدهید و بعد مشاهده کنید

۱- برای سالیان متمادی مردم هیچ چیز درباره سمت دیگر ماه نمی دانستند. c

۲- بشر نمی تواند روی ماه زندگی کند زیرا (همه جوابهای فوق) d

۳- سمت دیگر ماه (هم دشتهای کمتر دارد و هم زیاد با سمتی که ما می بینیم)

d

متفاوت نیست)

d

۴- مردمی که قبل از سال ۱۹۵۹ می زیستند آن طرف ماه را ندیده بودند.

a

۵- از این متن ما می فهمیم که در گذشته مردم خیلی کم درباره ماه می دانستند.

گرامر درس دوم

۱- any و no هر دو معنی یکسانی دارند.

۲- any ← به معنی هیچ مقدار هم در جملات منفی و هم سؤالی بکار می رود.

- *There isn't any air on the moon.* هیچ هوایی روی کره ماه وجود ندارد.

- *Is there any student in the classroom?*

آیا هیچ دانش آموزی در کلاس وجود دارد؟

۳- no ← در جملات مثبت بر سر فعل می آید و حالت منفی به جمله می دهد.

There were no men in the spaceship.

همانطور که می بینیم *no* و *any* در جمله بر سر اسم آمده. پس اینها هر دو در

اینگونه جملات نقش صفت را بازی می کنند.

There isn't any sugar in my cat.

۴- *any* و *no* هم بر سر اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش در جمله بکار

می روند.

۵- *any* و *no* هر کدام به تنهایی می توانند بر سر اسم مفرد و یا اسم جمع بیایند

و فعل جمله هم تابع آن اسم مفرد یا آن اسم جمع خواهد بود.

There is no water in the glass. هیچ مقدار آب در لیوان نیست.

۶- ضمناً (*some*) در جمله مثبت بکار می رود. چه اسم جمع و چه مفرد و چه

قابل شمارش و چه غیر قابل شمارش باشد.

I have some money.

من قدی پول دارم.

موضوع دوم گرامر درس : ضمایر ملکی :

مفرد	جمع
<i>Mine</i> مال من	<i>ours</i> مال ما
<i>yours</i> مال تو	<i>yours</i> مال شما
<i>His</i> } مال او	<i>Thir's</i> مال ایشان
<i>hers</i> }	
<i>Its</i> }	

اینها مالکیت را نشان می دهند و اگر در جمله اسم باشد بعد از اسم می آیند.

This house is ours. این خانه ماست.

ضمیر ملکی اسم

* و اگر اسم در جمله نباشد خودشان در جمله جانشین اسم هستند :

This is yours. این مال شماست.

نکته: فرق ضمایر ملکی با صفات ملکی در انگلیسی این است که صفات ملکی همیشه همراه اسم و قبل از آن می نشینند در حالیکه ضمایر ملکی بعد از اسم و جدا از آن و حتی جای اسم می نشینند.

This is our house. این خانه ماست.

اسم صفت

She is my sister. او خواهر من است.

اسم صفت

Speaking 1.

این تمرین را بخوانید و تکرار کنید.

این کلمات را در الگو جایگزین کنید. و سعی کنید

کاربرد *any* را در این تمرین یاد بگیرید که در جمله سؤالی آمده است.

Speaking 2.

آیا هیچ تعداد کتابی روی میز هست؟ *Are there any books on the table?*

1. *Are there any cars in the street?*

2. *Are there any students in the yard?*

3. *Is there any water in the glass?*

4. *Is there any bread on the table?*

5. *Are there any pictures in the book?*

6. *Is there any money in the box?*

در این قسمت *any* در جملات منفی آمده است.

I don't see any children in the park.

من هیچ بچه ای را در پارک نمی بینم

1. *I don't see any trees in the pictures.*

2. *I see no children in the classroom.*

3. *I don't see any snow on the ground.*

4. *I don't see any spoons on the table.*

5. *I don't see any money in the box.*

6. *I see no cats on the wall.*

7. *I don't see any clouds in the sky.*

8. *I don't see any water in the kettle*

Speaking 3. جمله های زیر را با بکاربردن *no* به جای *any* تکرار کنید.

1. *There is no water in the glass.*

2. *He has eaten nothing for 2 days.*

3. *we had no friends there.*

4. *She brings nothing with her.*

5. *I asked nobody to help you.*

6. *I know they will make no mistakes.*

7. *There were no hotels in the town.*

8. *They have nothing to eat.*

Speaking 4.

به عکسها نگاه کنید و به سؤالات جواب دهید. در جواب با استفاده از *any* و *no*

بدهید.

1. *No, there isn't any water in the glass.*

No, there is no water in the glass.

2. *No, he didn't have any money in his pockets.*

No, he had no money in his pockets.

3. *No, I don't see any monkeys in the picture.*

No, I see no monkeys in the picture.

4. *No, there weren't any boys in the classroom.*

No, there were no boys in the classroom.

5. *No, he hasn't any books in his hands.*

No, he has no books in his hands.

6. *No, he didn't eat any thing in the park.*

No, he ate nothing in the park.

Speaking 1.

این تمرین را مطالعه و تکرار نمائید.

Speaking 2. کلمات را همانند الگو جایگزین کرده و تغییرات لازم را انجام دهید.

در این تمرین شما جایگزین ضمائر ملکی را در جمله یاد می گیرید ! دقت کنید

I have a car but htat blue car isn't mine.

من یک اتومبیل دارم اما آن اتومبیل آبی مال من نیست.

1. *He has a car but that blue car isn't his.*

2. *they have a car that blue car isn't theirs.*

3. *you have a car but that blue car isn't yours.*

4. *she has a car but that blue car isn't hers.*

5. *we have a car but that blue car isn't ours.*

Speaking 3.

این جملات را کامل کنید.

1. *Is this his dictionary? (her)*

No, it isn't his.

It's hers.

2. *Are these our shoes? (their)*

No, They aren't ours.

They're theirs.

3. *Is this your address? (Ali's)*

No, it isn't mine.

It's Ali's.

4. *Are these Frank's shirts? (my brother's)*

No, they aren't Frank's.

They're my brother's.

5. *Is this her watch? (my sister's)*

No, it isn't hers.

It's my sister's.

6. *Are these their houses? (our)*

No, They aren't theirs.

They're ours.

Writing 1. به این سؤالات پاسخ دهید. از کلمات داده شده در پرانتزها استفاده کنید.

شما در این تمرینات کاربرد *no, any, some* را مجددا مرور کنید (فقط جواب)

1. *There is some water in the kettle.*
2. *No, there weren't any forks on the table.*
3. *No, there are only a few benches in the park.*
4. *Two hundred and fifty students study in this high school.*
5. *No, I have no Japanese books in my library.*
6. *She didn't buy any bread yesterday.*

Writing 2. به عکس نگاه کنید و به سؤالات پاسخ دهید. (فقط جوابها)

1. *No, there aren't any spoons on the table.*
2. *There is only one glass on the table.*
3. *No, there isn't any bread near the plate.*
4. *yes, I see one fork on the table.*
5. *No, he has nothing in his hand.*
6. *There isn't any water in the glass.*

Writing 3.

به این سؤالا پاسخ دهید. (فقط جوابها)

مجددا در این تمرین شما مروری بر ضمائر ملکی دارید.

1. *It is his*

2. *It is hers*

3. *it is theirs*

4. *It is yours*

5. *It is ours*

F.language Functions

دانش آموز عزیز در این قسمت شما ضمن یادگیری مکالمه یاد می گیرید که بعد از عبارت *would you mind* (به معنی آیا لطف می کنید) فعل بعد چه مثبت و چه منفی به شکل *ing* دار فعل به کار گرفته می شود.

شما به ابتدای هر جمله این عبارت را اضافه کرده و فعل را به صورت *ing* دار بنویسید و با دوستان آن را تکرار کنید.

H. Vocabulary Review

جای خالی جملات را با کلمات داده شده پر کنید. و سعی کنید هر لغت را برای یاد گیری بهتر در جمله یاد بگیرید.

از خواب برخاستن *get up* تمام روز *all day long* سرانجام *at last*

رشد کردن *growing up* جستجو کردن *looked for*

1. your brother has become a big bog. He's *growing up* fast.
2. I'm very tired. I've worked hard *all day long*.
3. *At last* we found out who had stolen the watch.
4. I woke up at six, but I didn't *get up* till 6.30
5. where were you this morning? we *looked for* you every where.

مخالف کلمات زیر را بنویسید .

- | | | | | |
|-----------|--------|---|-------|--------|
| 1. clean | (تمیز) | ≠ | dirty | (کثیف) |
| 2. thin | لاغر | ≠ | fat | چاق |
| 3. better | بهتر | ≠ | worse | بدتر |
| 4. big | بزرگ | ≠ | small | کوچک |
| 5. tall | بلند | ≠ | short | کوتاه |
| 6. friend | دوست | ≠ | enemy | دشمن |

و حال جوابهای خود را با جوابهای ما مقایسه کنید و اگر اشکالی در حل این تمرینها داشتید سعی کنید دوباره به گرامر درس مراجعه کنید و مروری داشته باشید.

1. The bottle is empty. There ismilk in it.

- a) any b) some c) none d) no

2. there aren't newspapers on the table.

- a) some b) much c) no d) any

3. was there any meat on the plate?

No, there was meat on the plate.

- a) no b) any c) come d) much

4. is there any water in the glass?

"yes, there is water in the glass."

- a) any b) no c) come d) few

5. He bought beautiful flowers and gave them to his mother.

- a) much b) some c) any d) no

6. where are myshoes? I can find them

- a) some where b) any where

c) no where

c) every where

7. *He is looking for his coat, but he can't find it*

a) some where

b) any where

c) no where

c) every where

8. *She put her bag down and now she can't find it.*

a) every where

b) no where

c) any where

c) some where

9. *is he going to stay home this weekend?*

No, I'm sure he will go

a) any where

b) every where

c) no where

d) some where

10. *is there any thing in the box?*

"No, There isn't in the box.

a) nothing

b) some thing

c) any thing

d) every thing

11. *Is there any thing in the box.*

No, there's in it.

a) no thing

b) any thing

c) some thing

d) every thing

12. I have run out of money. I can't buy

a) some thing

b) every thing

c) any thing

d) no thing

13. This morning, I bought because there were many people in the store.

a) any thing

b) every thing

c) no thing

d) some thing

14. I can't give you any food because there's left.

a) none

b) some

c) any

d) much

15. I can't come to see you because I haven't got time.

a) many

b) much

c) some

d) no

16. please give me bread. I'm very hungry.

a) some

b) any

c) many

d) no

17. That man is alone. he doesn't have in this town.

a) some body

b) every body

c) nobody

d) any body

18. I have two sisters. Both of are nurses.

- a) they b) them c) us d) we

19. I sit on this bench and my friend on the other bench.

- a) sit b) sits c) sat d) to sit

20. Would you mind not your radio so loud?

- a) play b) plays c) playes d) playing

- | | |
|-------|-------|
| 1. d | 11. a |
| 2. d | 12. c |
| 3. a | 13. c |
| 4. c | 14. c |
| 5. b | 15. d |
| 6. c | 16. a |
| 7. b | 17. b |
| 8. d | 18. a |
| 9. c | 19. b |
| 10. c | 20. d |



شاهقلى

زبان انگلیسی ۲
سال دوم دبیرستان
درس سوم

شما علاوه بر ترجمه فارسی می توانید مترادف و یا تضاد بعضی از لغات را مشاهده کنید.

لغت

ترجمه فارسی

a foot wide

یک پا عرض

airport

فرودگاه

along ≠ across

در طول

altogether = totally

روی هم رفته ، در مجموع

bar

قالب ، میله

biscuit

بیسکویت

bottle

بطری

bridge

پل

canal

کانال، مسیر

child's wagon

کالسکه بچه

<i>chocolate</i>	شکلات
<i>church = a place that Christians go there to pray</i>	کلیسا
<i>coach</i>	ارابه ، کالسکه
<i>cost = have the price of</i>	هزینه داشتن
<i>doll house</i>	خانه عروسکی
<i>employ</i>	استخدام کردن
<i>even = some</i>	حتی
<i>factory</i>	کارخانه
<i>fairy land</i>	سرزمین افسانه ای
<i>glow = shine</i>	تابیدن
<i>golden = made of gold</i>	طلایی
<i>hammer = a kind of tools</i>	چکش
<i>high way = big road / free way</i>	بزرگراه
<i>history = book (knowledge) about past time.</i>	تاریخ
<i>Holland = name of a country in Europe</i>	کشور هلند

hurt = injure

صدمه و آسیب زدن

jam = food made from fruit and sugar

مربا

jar

ظرف

light bulb = bright bulb

حباب روشن

light up

روشن شدن

loaf = a big piece of bread

قطعه

low ≠ high

پایین

magazine

مجله

merry – go - round

مسابقه ، کبریت

model = suggestion

چرخ فلک

packet = parcel

مدل

offer = suggestion

تعارف

packet = parcel

بسته کوچک

price

قیمت

pull ≠ push

کشیدن

punish ≠ encourage

تنبيه کردن

repair ≠ fix / mend

تعمير کردن

run along

درمسير رفتن

sail

بادبان

sail

ملوانی کردن

soap

صابون

soft drink

نوشابه غير الكلى

soup = liquid food

سوپ

speed = go very fast / go very quickly

سرعت گرفتن

stone

سنگ

through

از میان

thumb

انگشت شست

tiny = very small ≠ giant

ریز - کوچک

toy = things that children play with

اسباب بازی

track = railroad

مسیر

waist = belt

کمر

walk

قدم زدن در میان

war

جنگ

whole = complete = all

تمام ، کامل

New Words

لغات جدید :

1. You see a toy train in this picture.

شما در این عکس یک ترن اسباب بازی می بینید.

How many wagons does the train have? این ترن چند واگن دارد؟

- It has many wagons.

Does the train run along a road?

آیا ترن بر روی یک جاده حرکت می کند؟

- No, it runs along a track.

2. *There are three children on the merry – go - round.*

سه کودک روی چرخ و فلک نشسته اند.

what does the boy have in his hand? پسر در دستش چه چیز دارد؟

- *He has a toy car in his hand.*

Do you like to be on a merry – go – round?

آیا شما دوست دارید روی یک چرخ و فلک باشید؟

- *Yes, I do.*

3. *Jack hurt his thumb when he was playing with a hammer.*

جک هنگامی که داشت با یک چکش بازی می کرد به انگشتش صدمه زد.

How did Jack hurt his thumb? جک چگونه به انگشتش آسیب رساند؟

- *when he was playing with a hammer?*

چرا بچه ها نایستی با یک چکش بازی کنند؟

- *They shouldn't play with a hammer because they may hurt their thumbs.*

4. *When she turned off the light, the eyes of the cat began to glow in the dark.*

وقتی او چراغها را خاموش کرد چشمان گربه در تاریکی شروع به درخشیدن کرد.

what began to glow?

چه چیز شروع به درخشیدن کرد؟

- *The eyes of the cat*

Were they glowing before she turned off the light?

آیا آنها قبل از اینکه او چراغ را خاموش کند، می درخشیدند؟

- *No, they weren't.*

5. *Small boats have sails. they sail on canals a bout a foot wide.*

قایق‌های کوچک بادبانهایی دارند. آنها بر روی کانالهایی به وسعت یک فوت حرکت می‌کنند.

قایق‌های کوچک در کجا حرکت می‌کنند؟ *where do the small boats move?*

- *They move on canals.*

آیا کانالها خیلی وسیعند؟ *Are the canals very wide?*

- *No, they aren't.*

6. *Cars can go very fast on high ways.*

اتومبیلها می‌توانند در بزرگراهها به سرعت حرکت کنند.

How do cars go on high ways?

اتومبیلها چگونه در بزرگراهها حرکت می‌کنند؟

- *They go very fast.*

Should we drive slowly on high ways?

آیا ما باید در بزرگراهها به آهستگی برانیم؟

- No, we shouldn't.

7. The boy is pushing the box. آن پسر در حال هل دادن جعبه است؟

The girl is pulling it. They can't move it.

دختر در حال کشیدن آن است. آنها نمی توانند آن را حرکت بدهند.

what is the boy doing?

پسر در حال انجام چه کاری است؟

- the boy is pushing the box.

what is the girl doing?

دختر در حال انجام چه کاری است؟

- The girl is pulling it.

can they move the box?

آیا آنها می توانند جعبه را حرکت دهند؟

- No, They can't.

کلمات جدیدتان را تمرین کنید. *Practice your new words.*

نام شش چیزی را که شما در یک مغازه اسباب بازی فروشی میبینید به خاطر بیاورید. سپس با جوابهای ما و لغات درس آنرا مرتب کنید.

نام شش چیزی را که شما در یک مغازه اسباب بازی فروشی می بینید به خاطر بیاورید. سپس با جوابهای ما و لغات درس آن را مطابقت کنید.

1. Doll

2. Mini – car

3. Puzzles

4. Toy airplane

5. Toy boat

6. Toy Train

در این قسمت شما لغات و مطلب خواندنی جدید را یاد می گیرید.

HOLLAND'S Toy Town

شهر اسباب بازی هلند

1. Maybe you've built toy planes or cars?

شاید شما هواپیما ها و یا اتومبیل های اسباب بازی ساخته باشید.

Maybe you've seen toy farms. In Holland there's a toy city.

شاید شما مزرعه های اسباب بازی را دیده باشید. در هلند یک شهر اسباب بازی هست.

The buildings are small in this city. But there are lots of them.

در این شهر ساختمانها کوچکند. اما تعداد زیادی از آنها وجود دارند.

you can walk through all the streets.

شما می توانید در همه خیابانها قدم بزنید.

But it might take three hours. That's how big it is.

اما ممکن است این پیاده روی سه ساعت به طول انجامد. آن به این اندازه بزرگ است.

2. The town is made of little models.

این شهر از نمونه های کوچک ساخته شده است.

There are shops and farms. مغازه ها و مزرعه هایی در این شهر وجود دارند.

There are schools and churches. مدرسه ها و کلیساهایی در این شهر هستند.

3. The toy people are very small. مردم شهر اسباب بازی بسیار کوچکند.

They're not much bigger than thumb.

آنها از انگشت شست شما چندان بزرگتر نیستند.

The houses aren't very tall. They might come only to your waist.

خانه ها زیاد بلند نیستند. اندازه آنها ممکن است فقط تا کمر شما برسد.

In a park there's a merry – go – round you could hold in your hand.

در یک پارک چرخ و فلکی وجود دارد که شما می توانید آن را در دستتان بگیرید.

4. There's an air port at the toy town.

یک فرودگان در شهر اسباب بازی وجود دارد.

Its planes are the size of a child's wagon.

هوایماهای آن به اندازه یک واگن بچه گانه هستند.

Small boats sail on canals about a foot wide.

قایقهای کوچکی بر روی کانالهایی به وسعت یک فوت حرکت می کنند.

Cars speed over highways. Trains run along tiny tracks.

اتومبیلها بر روی بزرگراهها با سرعت حرکت می کنند. ترنها در طول مسیرهای باریک حرکت می کنند.

5. There's even a golden coach. It's about a foot long.

حتی یک ارابه طلایی نیز در این شهر وجود دارد. طول آن حدود یک فوت است.

Eight tiny horses pull it. هشت اسب کوچک آن را می کشند.

6. *At night the city is lit up. There are thousands of tiny light bulbs.*

در شب شهر روشن است. هزاران چراغ بسیار کوچک در این شهر وجود دارند.

They make the city glow. آنها شهر را نورانی می کنند.

This city was made for girls who love dollhouses and boys who play with toy trains.

این شهر برای دخترانی که عاشق خانه های عروسکی هستند و پسرانی که با ترنهای اسباب بازی بازی می کنند، ساخته شد.

And for every man and woman who remembers being a child.

و برای هر مرد و زنی که کودکشان را به خاطر می آورند.

Comprehension:

در این قسمت شما بعد از خواندن متن به سؤالات پاسخ دهید و پاسخ خود را با پاسخهای داده شده مقایسه کنید.

1. *A toy town is made of little models and full of toy things.*

2. *It is rather big.*

3. *They might come only to our waist.*
4. *There are many buildings in the toy town.*
5. *We can see a merry – go – round in the park.*
6. *Its planes are the size of a chil's wagon.*
7. *Yes, They do they move on canal and tiny tracks.*
8. *No, the city is made for children and for very man and woman who remembers being a child.*
9. *remembers being a child.*

True or False

II در اینجا شما جوابهای درست و غلط را با T و F می بینید.

1. T
2. T
3. F
4. F
5. F

III جملات را کامل کنید. از جوابهای a و b و c یا d استفاده کنید.

1. a
2. a
3. b
4. a
5. c

گرامر درس سوم

ضمایر موصولی که همان قیدهای موصولی نامیده می شوند عبارتند از :

who – whom – which – whose – that

* **who** : ضمیر موصولی فاعلی می باشد و فقط برای اشخاص بکار می رود

هنگامی از *who* استفاده می شود که جمله پس از جای خالی بیانگر آن باشد که

فاعل ابتدای جمله کاری انجام داده است و جایگاه *who* در جمله بعد از اسم یا

ضمیر فاعلی و قبل از فعل می باشد همانند فرمول زیر :

فعل + *who* + ضمیر فاعلی / اسم

The boy who came here is my brother.

whom : ضمیر موصولی مفعولی می باشد فقط برای اشخاص بکار می رود و

هنگامی استفاده می شود که جمله پس از جای خالی نشان دهد که کاری بر روی

مبتدای جمله انجام شده است. و جایگاه آن در جمله همانند فرمول زیر است.

اسم / ضمیر فاعلی + **whom** + اسم / فاعل

The man whom you saw yesterday teaches English.

which : فقط برای اشیاء بکار می رود هم حالت فاعلی و هم حالت مفعولی دارد.

This is the pen which writes well.

that : فقط در جملات توصیفی بکار می رود. *that* حالت کلی دارد یعنی هم

برای اشخاص و هم برای اشیاء بکار می رود. هم حالت فاعلی و هم حالت

مفعولی دارد. بنابراین به جای تمام ضمائر موصولی که تا کنون ذکر شد قابل

استفاده می شود.

The man that you saw was going to work.

کلمات را در جملات الگو جایگزین نموده اگر تغییری لازم است انجام دهید.

Speaking 3.

The man who telephoned you lives in this house.

1. *The man who has written the letter lives in this house.*

2. *The man who is reading the newspaper lives in this house.*

3. *The man who fixes cars lives in this house.*

4. *The man who was talking to him lives in this house.*

5. *The man who has bought it lives in this house.*

6. *The man who drew the picture lives in this house.*

* در این تمرین شما کاربرد *who* را یاد می گیرید و اگر دقت کنید *who* فقط

برای اشخاص بکار رفته است.

The boy that I invited has blue eyes.

1. *The boy that they employed has blue eyes.*

2. *The boy that we found has blue eyes.*

3. *The boy that I have seen has blue eyes.*

4. *The boy that I am teaching has blue eyes.*

5. *The boy that you will meet has blue eyes.*

6. *The boy that Mary was dressing has blue eyes.*

❖ در این تمرین شما کاربرد *That* را که حالت فاعلی و مفعولی را دارد

تمرین می کنید.

The shirt that he bought is in his room.

1. *The watch that he has found is in his room.*
2. *The magazine that he likes is in his room.*
3. *The picture that he was drawing is in his room.*
4. *The letter that he has written is in his room.*
5. *The book that he borrowed is in his room.*
6. *The coat that he wears is in his room.*

The letters that were written yesterday are over there.

1. *The cars that were fixed yesterday are over there.*
2. *The papers that were corrected yesterday are over there.*
3. *The clothes that were washed yesterday are over there.*
4. *The boys that were invited yesterday are over there.*
5. *The men that were employed yesterday are over there.*
6. *The children that were punished yesterday are over there.*

Speaking 4.

به این سؤالات پاسخ دهید.

(فقط جوابها را شما می توانید مشاهده کنید)

1. *A factory that makes bicycles.*
2. *A store that makes shoes.*
3. *A book that is about history.*
4. *A story that is about war.*
5. *A bridge that is made of stone.*
6. *A plane that is made of paper.*

Speaking 5.

به عکسها نگاه کنید و به سؤالات پاسخ دهید.

(فقط جوابها)

1. *The boy who is sitting on the chair is John.*
2. *The man who is playing football is from Iran.*
3. *The girl who is reading a book is a student.*
4. *The car which goes fast is new.*
5. *The animal which is sleeping on the wall is a cat.*

6. *The animal which is in the cage is wild.*

Write It Down

جملات زیر را با هم ترکیب کنید از *who* یا *whom* یا *which* یا *that* استفاده کنید.

دانش آموز عزیز، در اینجا فقط پاسخهای ترکیب شده از جملات ساده ارائه شده اند.

1. *This is the man whom / that I met yesterday.*

2. *That is the bicycle that / which we bought last year.*

3. *These are pictures which / that he has taken before.*

4. *That is the man who / that works in the car factory.*

5. *That is the spaceship which / that will go round the moon.*

6. *This is the car which / that she was driving yesterday.*

7. *This is the film which / that I like very much.*

8. *These are birds which / that fly south in autumn.*

در این تمرین ها همانطور که مشاهده می کنید متوجه می شوید که *that* می تواند بجای تمام ضمایر موصولی بکار رود.

Writing 2.

این جملات را با کلماتی از خودتان کامل کنید.

و سپس به مثالهای ما نگاه کنید. و با جملات خود مقایسه کنید. در این تمرین شما

مجدداً دوره ای از ضمایر موصولی را دارید :

1. *The boy who lives near the school is my friend.*
2. *The man that is sitting at the desk is my father.*
3. *The film that we watched last night was a love story.*
4. *The girl who is teaching English is my sister.*
5. *The picture that you saw was a painting.*
6. *This is the boy whom you spoke to yesterday.*
7. *These are the men that have become soldiers.*

Language Functions:

دانش آموز عزیز : لطفاً این قسمت از کاربرد زبان که مکالمه کتاب را تشکیل می دهد، حفظ کنید. زیرا در تمام امتحانات شما نقش مهمی دارد.

Vocabulary Review :

به تصاویر نگاه کنید و جاهای خالی را پر کنید.
توضیح : کلمات حروف اضافه مناسب هر جمله را می بایستی از بین حروف اضافه انتخاب نمائید.

1. The boy is in the car.
2. The girl is in front of the car.
3. The bicycle is behind the car.
4. The dog is going in to the car.
5. The white cat is running out of the car.
6. There is a black cat under the car.
7. There is a tree near the car.
8. a monkey is going up the car.



زبان انگلیسی ۲
سال دوم دبیرستان
درس چهارم

شما علاوه بر ترجمه فارسی می توانید مترادف و یا تضاد بعضی از لغات را مشاهده کنید.

لغت

ترجمه فارسی

Against = opposite

بر علیه - در مقابل

Although = in spite of

اگرچه - علی رغم - با وجود

Blow

وزیدن

Boss=chief ,chair man

رئیس

Bowl =a deep , round dish

کاسه

Chemistry

شیمی

Coal

زغال سنگ

Complete= finish sth

کامل کردن

Country man

هموطن

Cruel= unkind

ظالم

cry=weep ≠ laugh

گریه کردن

corn= get money by working

امرار معاش کردن - بدست آوردن

feel	احساس کردن
feel sorry for=to be unhappy for (sb)	احساس غم برای شخصی کردن
France	فرانسه
Gold=a yellow metal	طلا
Grammar	گرامر
Hand(clock)	عقربه ساعت دیواری
Handle	دستگیریه
Head= part of your body	سر
How a bout ...?	چه طور؟ چه خبراز؟
ill =sick	بیمار - ناخوش
iron	آهن
law= rule	قانون
machine	ماشین
metal	فلز
mine	معدن
miner= a person who works in a mine	معدنچی
offer = suggest	پیشنهاد کردن
perfectly=completely	کاملاً

prefer=would rather

ترجیح دادن

president= leader of a country

رئیس جمهور

promise

قول دادن

Real=true

واقعی

Reason

دلیل

Sad= un happy

غمگین

Stay with

زندگی با

Telegram

تلگرام

Terrible=very bad

وحشتناک

Touch= to hand

لمس کردن

Watery

آبکی

Wind

باد

New words

لغات جدید :

1. my father works in a car factory

پدرم در یک کارخانه اتومبیل سازی کار می کند.

There are many machines in the factory

ماشینهای زیادی در کارخانه وجود دارد.

What do they make in the factory?

آنها در این کارخانه چه چیزی می سازند؟

- They make cars in the factory

Do they use machines to make cars?

آیا آنها برای ساختن اتومبیلها از دستگاه ها استفاده می کنند؟

- yes , they do

2. My uncle is a miner. He works in a mine under the ground.

عموی من معدنچی است. او در معدنی در زیر زمین کار می کند.

He doesn't earn much money.

او پول زیادی بدست نمی آورد.

Where does my uncle work?

-He works in a mine

عمویم کجا کار می کند؟

Is he a rich man?

-No ,he isn't

آیا او مرد ثروتمندی است.

3. young children should not work in coal mines.

بچه های کوچک نبایستی در معادن زغال سنگ کار کنند.

It's against the law

این کار برخلاف قانون است.

They shouldn't work at all

آنها اصلاً نبایستی کار کنند.

Should very young children work in car factories?

آیا بچه های خیلی کوچک باید در کارخانه های اتومبیل سازی کار کنند؟

-No ,they shouldn't .

why shouldn't children work in mines?

چرا بچه ها نباید در معادن کار کنند؟

-Because it's against the law.

4. There was a terrible car accident near our school yesterday.

دیروز یک تصادف وحشتناک اتومبیل در نزدیکی مدرسه ما رخ داد.

Ten people were hurt.

ده نفر آسیب دیدند.

What happened near our school yesterday?

دیروز در نزدیکی مدرسه ما چه اتفاقی افتاد؟

-A terrible car accident happened near your school yesterday.

How many people were hurt?

چند نفر آسیب دیدند؟

-Ten people.

5. Mother, I don't feel well today!

مادر، من امروز احساس خیلی خوبی ندارم!

Today my head and you will feel how hot its.

به سرم دست بزن تا ببینی چقدر داغ است.

Why did he ask his mother to touch his head?

چرا او از مادرش خواست تا به سرش دست بزند.

-To show her how hot it was.

6. After seeing "Oliver Twist" on TV, my sister cried, although she

knew Oliver was not a real boy

پس از دیدن (فیلم) «اولیور توئیست» از تلویزیون خواهرم گریه کرد گرچه او

می دانست الیور یک پسر واقعی نبود.

Was Oliver a real boy?

-No, he wasn't.

How did my sister feel after seeing Oliver on TV?

-She cried

Practice your New words

در این قسمت شما لغات جدیدی را که خوانده اید در جمله می توانید به راحتی تمرین کنید.

1. He earned a lot of money by writing stories.
2. many years ago children worked as workers
3. I feel sorry for the poor children who work in coal mines
4. It's against the law to make children work
5. He was taken to a hospital after the accident

Reading

Charles Dickens And the Little Children

چارلز دیکنز و بچه های کوچک

1. many years ago children from poor families had to work long hours.

سالهای پیش کودکان خانواده های فقیر مجبور بودند ساعتهای زیادی را کار کنند.

They had to work very hard

آنها مجبور بودند خیلی سخت کار کنند.

They worked in coal mines and in factories.

آنها در معادن زغال سنگ و کارخانجات کار می کردند.

They didn't earn much money. Their bosses were cruel to them.

آنها پول زیادی بدست نمی آوردند، رؤسای آنها با آنها خشن بودند

It was a terrible life for little children

آن زندگی برای بچه های کوچک زندگی خیلی بدی بود.

Many of them became ill and died.

خیلی از آنها مریض می شدند و می مردند.

Some of these children were only seven years old

برخی از این کودکان فقط ۷ سال داشتند.

2. Charles Dickens wrote books in those days.

چارلز دیکنز در آن روزها کتابهایی می نوشت.

He felt sorry for the poor little children in England, where he lived

او برای بچه های کوچک فقیر در انگلستان جایی که خودش زندگی می کرد،

احساس تاسف می کرد

So he wrote a story

بنابراین داستانی نوشت

It was about a little boy who had to work from morning to night.

این داستان درباره پسری بود که مجبور بود از صبح تا شب کار کند

The boy's name was Oliver Twist.

نام پسر «اولیور توئیست» بود.

Poor Oliver all he got to eat every day was there bowls of watery soap

الیور بیچاره! تمام غذایی که برای خوردن بدست می آورد سه کاسه سوپ آبکی

بود.

And he had to work so hard

و او مجبور بود خیلی سخت کار کند.

3. people cried when they read this book. It was a sad story

وقتی مردم این داستان را خواندند، گریستند. آن داستان غم انگیزی بود

they knew Oliver wasn't a real little boy.

آنها می دانستند که الیور در این داستان یک پسرک واقعی نبود.

But they also knew there were real boys and girls just like Oliver

اما این راهم می دانستند که پسران ودختران واقعی زیادی هم مثل الیور وجود داشتند.

They made laws so that children wouldn't have to work so hard

آنها قوانینی وضع کردند تا کودکان مجبور به انجام کار سخت نباشند.

they made laws saying that very young children should not work at all

آنها قوانینی وضع کردند که می گفت بچه های خیلی کوچک اصلاً نباید کارکنند.

4. Now a days it's against the law to make children work in mines and factories.

این روزها وادارکردن کودکان به کاردرمعادن وکارخانجات خلاف قانون است.

Charles Dickens helped a lot.

چارلز دیکنز دراین امرکمک زیادی کرد.

His book showed people what a terrible thing was going on.

کتابش به مردم نشان داد که چه اتفاق وحشتناکی درجریان بود.

5. Charles Dickens had a good reason to help those children

چارلز دیکنز برای کمک به آن بچه ها دلیل خوبی داشت.

He had to go out and work when he was a boy.

او وقتی پسرکی بود مجبورشد از خانه خارج شود وکارکند.

And he was only ten years old. He never forget those terrible days.

و او در آن وقت فقط ده سال داشت. او آنروزهای وحشتناک را هرگز فراموش نکرد.

He wrote his book so that other children could have a better life

او کتابش را نوشت، تا آنکه کودکان دیگر بتوانند زندگی بهتری داشته باشند.

Comprehension

در این قسمت شما بعد از خواندن متن به سؤالات پاسخ دهید و پاسخ خود را با

پاسخهای داده شده مقایسه کنید.

1. they had to work very hard.
2. they became ill because they had a terrible life.
3. yes, he was from a poor family.
4. He wrote a story so that other children could have a better life.
5. No, Oliver wasn't a real boy.
6. yes, people made laws so that children wouldn't have to work so hard.

True or False

I در این قسمت شما جوابهای درست یا غلط را با T یا F می بینید.

1. F 2. T 3. T 4. T 5. T 6. T

II جملات را کامل کنید. از جوابهای a, b, c یا d استفاده کنید.

1. d 2. b 3. b 4. c 5. d

گرامر درس چهارم

دانش آموز گرامی: باید به خاطر داشته باشید که فعل اصلی بعد از افعال کمکی یا

modals به شکل ریشه می آید یعنی (بدون S , to , ing , ed سوم شخص)

1 *I should study tonight*
فعل اصلی کمکی

2 *He can ride the bicycle.*
فعل اصلی کمکی

گرامر این درس در مورد دو مطلب گرامری است بدین شرح:

الف) در زبان انگلیسی گاهی دو فعل پشت سرهم در جمله می آید که گاهی فعل

دوم را بصورت ing داریم و گاهی بصورت مصدر بدون to و گاهی بصورت

مصدر همراه با to بکار می رود.

در این مبحث درسی برخی افعال روی فعل بعد از خود اثر می گذارند و آنرا به

مصدر همراه با to تبدیل می کنند این افعال عبارتند از:

Want	خواستن	Would like	تمایل داشتن
Decide	تصمیم گرفتن	Force	مجبور کردن
Plan	تصمیم داشتن	Permit	اجازه دادن
Wish	آرزو داشتن	Allow	اجازه دادن
Ask	پرسیدن	Agree	موافقت کردن
Tell	گفتن	Expect	انتظار داشتن

Promise	قول دادن	Hope	امیدوار بودن
Try	سعی کردن	prefer	ترجیح دادن
Forget	فراموش کردن	Advise	نصیحت کردن
Intend	قصد داشتن	Seem	به نظر رسیدن
Invite	دعوت کردن	Order	دستور دادن
Mean	معنی دادن	Choose	انتخاب کردن
Learn	آموختن	Refuse	رد کردن
continue	ادامه دادن	beg	استدعا کردن

نکته: البته باید خاطرنشان کرد که شما لازم نیست تمام این افعال را حفظ کنید فقط تعداد محدودی را که در کتاب درسی شما آمده است را حفظ و تمرین کنید.

نکته: پس از افعال prefer, continue, forget, try بلافاصله اسم مصدر (فعل ing دار) نیز بکار می رود.

Speaking 1

در این قسمت شما به کتاب مراجعه کنید و مطالب را برای خودتان تکرار کنید و اگر خوب دقت کنید متوجه می شوید که فعلهایی مثل **try, decide, like, want** **wish, hope, promise** همه به شکل مصدر با **to** نوشته شده اند.

Speaking 2

در این قسمت شما جایگزینی فعل را دارید.

I like to learn English perfectly

1. I want to learn English perfectly.
2. I wish to learn English perfectly.
3. I was planning to learn English perfectly.
4. I am trying to learn English perfectly.
5. I have decided to learn English perfectly.
6. I will try to learn English perfectly.

She wants to go home

1. She wants to stay here
2. She wants to see her friends
3. She wants to leave here to day.
4. She wants to answer the question.

5. She wants to go there by train.

6. She wants to wish the dishes.

What do you want to eat?

1. What do you want to do?

2. Where do you want to go?

3. where do you want to sleep?

4. why do you want to leave?

5. what do you want to buy?

6. How do you want to come?

نکته: با توجه به مثالهای **speaking 2** و سایر مثالهایی که می بینید بعد از تمام این

افعال درهرزمانی که باشند فعل بصورت مصدر با to می آید.

Speaking 3

به این سئوالات پاسخهای کوتاه و کامل بدهید. از کلمات داخل پرانتزها استفاده

کنید. شما فقط پاسخها را مشاهده می کنید.

1. a) No, she isn't

b) No, she is not planning to visit our country this year

2. a) yes, he has

b) yes, he has decided to sell the old house

3. a) No, she didn't

b) No, she didn't want to see you here

4. a) yes, I do

b) yes, I like to stay with you

5. a) No, they won't

b) No, they will not try to finish it before they arrive.

« presentation 2 »

« قسمت دوم گرامر »

اسامی مرکب که به آن توصیفگر یا modifier نیز می گویند: بعضی از اسامی از

ترکیب اسم بوجود می آید که در این صورت یکی از اسامی دیگری را توصیف

می کند و از بین سایر اشیاء یا انسانهای هم رتبه معین می کند به عنوان مثال:

راننده تاکسی: در اینجا کلمه تاکسی توصیف کننده کلمه راننده است زیرا راننده را

که یک اسم عام است از بین سایر رانندگان مشخص می کند در زبان انگلیسی همیشه

اسم اول به عنوان توصیف گر عمل می کند و بصورت مفرد بکار می رود.

A car factory →

کارخانه ماشین سازی

A garden flowers →

گل باغ

در این ۲ مثال فوق اسم اول، اسم دوم را توصیف می کند.

Speaking 4

در این تمرین چیزی برای حل کردن نداریم. تعدادی اسامی مرکب را در جملات بکار برده که شما در کتاب می توانید آنها بخوانید و تکرار کنید.

Speaking 5

در این تمرین شما فرم مضاف و مضاف الیه را می توانید بنویسید که بصورت یک اسم مرکب دو کلمه ای می آید. و ما چند نمونه از این تمرینات را برای شما حل می کنیم و بقیه را خودتان تمرین کنید تا مروری بروی درس شود.

A store which sells shoes = A shoe store

A driver who drives a car = A car driver

A book which is about history = A history book

Speaking 6

به عکسها نگاه کنید و جملات را کامل کنید.

1. That is a chemistry book
2. He is a bus driver.
3. It is a book store
4. They are wild animals.
5. It is a paper tiger.
6. Those are autumn fruits.
7. That is the door of a class
8. Those are garden plants.

نکته: در بعضی از این تمرینها کلمه (a) را بر سر اسامی مرکب می بینیم که در ترجمه فارسی آنرا (یکی) معنی می کنیم. یعنی کاربرد (یا) نکره در فارسی می باشد. مانند نمونه ای که در کتاب است.

Writing 1.

به سؤالات جواب دهید و سپس جوابها را با جوابهای ما مقایسه کنید.

1. No, I want to call David
2. No, I am planning to go to Japan

3. No, he promised to write them a letter

4. No, I prefer to stay at home

5. No, I want to go alone

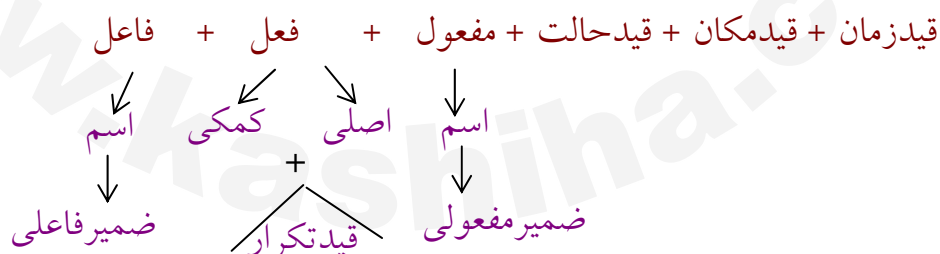
6. No, she decided to watch TV.

در این تمرین شما متوجه می شوید که بعد از فعل اولی فعل دوم با to می آید و همچنین بعد از صفت فعل با to می آید.

Speaking 2.

این کلمات را به شکل صحیح به دنبال هم قرار دهید.

* برای حل اینگونه تمرینات شما می توانید از این فرمول استفاده کنید تا راحتتر جمله بسازید.



* همانطور که می بینید فاعل می تواند اسم یا ضمیر باشد همینطور مفعول می تواند اسم یا ضمیر مفعولی باشد.

* ما در انگلیسی یک فعل کمکی داریم و یک فعل اصلی که ما بین این ۲ تا یعنی بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی می تواند قید تکرار قرار بگیرد.

1. I want to see the president.
2. she likes to stay here.
3. He promised to call me on Monday.
4. I hope to finish my work before Friday.
5. Do you want to go to Mash had?
6. What is she trying to do?
7. Ali's father began to learn English when he was 50.
8. The old man was trying to put it on the table.

Writing 3

این جملات با هم ترکیب کنید. (فقط جوابها را می بینید)

1. There is a physics book on the desk
2. they are night workers
3. I like those garden flowers
4. She didn't sit on the metal chair

5. I haven't seen the chemistry teacher.

6. the leg of the chair broke.

Vocabulary Review

مرور لغات

کدامیک از این صفات می توانند با اسامی داده شده به کار روند؟ بعضی از صفات ممکن است با بیشتر از یک اسم به کار روند .

1. poor families

5. old man

2. hard work

6. round boxes

3. watery soap

7. tall mountains

4. sad stories

8. Russian spaceship



زبان انگلیسی ۲
سال دوم دبیرستان
درس پنجم

شما علاوه بر ترجمه فارسی می توانید مترادف و یا تضاد بعضی از لغات را مشاهده کنید.

لغت

ترجمه فارسی

Angrily= with anger

با عصبانیت

Apartment = flat

آپارتمان

Aside= to one side

کنار

Bad luck

بدشانس

Full of

پراز چیزی

Can = a metal box for food

قوطی کنسرو

Capital

پایتخت

Carton

جعبه

Chicken

جوجه

Come back = return / go back

برگشتن

Completely= entirely

کاملاً

Cream

خامه ، کرم

Crowded= full of people

پر جمعیت

Delhi =the capital of India	دهلی
Get into trouble = cause difficulty for some one	به درد سر افتادن
Go on a trip = travel / take a trip	به سفر کوتاه رفتن
Hate = dislike ≠ like	متنفر شدن
Have to = must	اجبار داشتن
Jump	پریدن
Lazy ≠ clever , intelligent	تنبل
Light ≠ heavy	سبک ، روشن
Lovely = pretty / beautiful ≠ ugly	دوست داشتنی
March = the third month of the year	مارچ
million	میلیون
Miss	از دست دادن
Mixed up= confuse	گیج
Museum	موزه
October = the tenth month of the year	ماه اکتبر
Officer	افسر
Once= one time	روزگاری -
	یکبار
Park	پارک کردن
Polite ≠ impolite	مؤدب

Population = the number of people who live in a (one) place	جمعیت
pot	ظرف
Put= place sth to one side	کنار گذاشتن چیزی
Round	گرد، دایره
Row	ردیف
Sadly	با تأسف
Say goodbye	خداحافظی کردن
Seaside = shore	کنار دریا
September= the ninth of the year	ماه سپتامبر
Shopping	خرید
Sit	نشستن
Spaghetti	اسپاگتی
Sugar	شکر
Taste	مزه کردن، چشیدن
Tourist	جهانگرد
Toward	به طرف
Toy gun	تفنگ اسباب بازی
Without	بدون
wood	چوب

New Words

لغات جدید :

1. last week Ali and his friends went on a trip to the seaside

هفته گذشته علی و دوستانش به یک سفر کنار دریا رفتند

what did they do last week?

They went to the seaside.

2. Mina is two years old

مینا دو سال دارد

She is very lovely , isn't she?

او خیلی دوست داشتنی است، این طور نیست؟

How old is Mina?

She is two years old

Is she a lovely girl?

-yes , she is.

3. Ali looks like his brother.

علی شبیه برادرش است

You can see Ali's friend in the picture , too

شما می توانید دوست علی را هم در عکس ببینید.

Which boy is Ali's brother ? why

-The boy standing near Ali Because he looks like Ali

4. you can see rows of cans , boxes and bottle in the shop

شما می توانید ردیفهایی از قوطیها، جعبهها و بطریها را در مغازه ببینید.

what do you see in the picture?

-I can see rows of cans boxes and bottles in the picture.

5. Mr taban is in a big city.

آقای تابان در یک شهر بزرگ است

He can't find his friend's apartment

او نمی تواند آپارتمان دوستش را پیدا کند

He is completely mixed up

او کاملاً گیج شده است

What is Mr taban doing?

-He is looking for his friend's apartment.

Why is he mixed up?

-Because he can't find his address and the city is big

Practice your new words.

کلمات جدیدتان را تمرین کنید.

برخی از اسامی می‌توانند به جای صفات مورد استفاده قرار گیرند اسامی زیر در جای خالی مناسب خود قرار داده و از آنها صفت بسازید.

1. sugar pot

4. toy planes

2. pocket watch

5. banana slices

3. onion soup

The Little Old Man Who Could Not Read

پیرمرد کوتاه قدی که نمی توانست بخواند.

1. Once there was a little old man who couldn't read

روزی پیرمرد کوچکی بود که نمی توانست بخواند.

He just never wanted to learn. His wife bought all the food

او واقعاً هرگز نخواسته بود آن را یاد بگیرد. همسرش تمام غذاها را می خرید

The little old man stayed at home and made lovely toys out of wood.

پیرمرد کوچک در خانه می ماند و اسباب بازیهای دوست داشتنی از چوب

می ساخت

2. Children loved his toys, and they wrote to tell him so

بچه ها اسباب بازیهایشان را دوست داشتند و برای پیرمرد نامه می نوشتند تا

علاقه شان را به او بگویند.

But the old man couldn't read there letters

اما پیرمرد نمی توانست نامه هایشان را بخواند

3. one day his wife had to go on a trip

روزی همسرش مجبور شد به سفر کوتاهی برود

4. "You'll have to go to the store and buy your food tonight " she said.

همسرش گفت: «تو باید امشب به فروشگاه بروی و غذایت را خریداری کنی»

Then she said goodbye to him and left

بعد هم از پیرمرد خدا حافظی کرد و رفت

5. The old man went to the store

پیرمرد به فروشگاه رفت

There were rows and rows of boxes without pictures.

در آنجا ردیف ردیف قوطیها و ردیف ردیف جعبه‌های بدون عکس وجود داشت.

What were they? The old man didn't know , and he didn't like to ask.

آنها چه بودند؟ پیرمرد نمی‌دانست و دلش هم نمی‌خواست سؤال کند

6. He bought what looked like a can of soup and a box of spaghetti

او چیزی را که شبیه به قوطی سوپ بود و یک جعبه اسپاگتی خرید

He bought what looked like a sugar box , chicken soup and a carton of milk

او چیزی را که شبیه به یک جعبه شکر، سوپ جوجه و یک کارتن شیر بود

خریداری کرد

7. The old man went home and said . "I'm hungry . I'll have some soup".

پیرمرد به خانه رفت و گفت : «گرسنه هستم. قدری سوپ می‌خورم.»

8. He opened a small can. Onion suop

او یک قوطی کوچک را باز کرد و سوپ پیاز!

9. "Terrible" He said "I hate onion soup" And he put it aside

او گفت: «چقدر بد! من از سوپ پیاز متنفرم» و آن را به کناری گذاشت

He opened a long box that looked like a spaghetti box

او یک جعبه بلند را که شبیه جعبه اسپاگتی بود باز کرد

But the box had a kind of paper in it.

اما درون جعبه نوعی کاغذ وجود داشت

10. "Bad luck"! said the old man "I guess I'll go to bed"

پیرمرد گفت: «عجب بد شانسی آوردم فکر کنم بهتر است به رختخواب بروم»

11. By the next morning he was very hungry

تا صبح روز بعد او خیلی گرسنه شده بود

He jumped out of bed and opened a round box

از رختخوابش بیرون پرید و یک جعبه گرد را باز کرد

It was full of something white . the old man tasted it.

آن جعبه پر از یک چیز سفید بود. پیرمرد آن را چشید

12. "oh , I thought it was chicken soup"

(بعد گفت) «اُه» فکر کردم سوپ جوجه است

13. Then he opened a blue box , and it was also full of something

white

بعد از آن یک جعبه آبی رنگ را باز کرد. آن نیز پر از چیز سفیدی بود

He tasted that too.

او آن را هم چشید.

14. "soop" he said sadly "who wants to eat soap?"

او با ناراحتی گفت: «صابون است. کی دلش می‌خواهد صابون بخورد؟»

when he to get a drink of milk , he found that he had bought cream.

وقتی که پیرمرد رفت تا جرعه‌ای شیر بنوشد دریافت که به جای شیر خامه
خریده است

He didn't like cream , but he was hungry , so he ate it

او خامه دوست داشت ولی گرسنه بود، بنابراین خامه را خورد.

15. that night when his wife came back he told her how he got all

mixed up with the cans and cartons and boxes.

آن شب وقتی همسرش بازگشت، پیرمرد به او گفت که چطور آن قوطیها و
کارتنها و جعبه‌های مقوایی را اشتباهی گرفته بود

16. "please teach me how to read , " he said.

پیرمرد گفت: «خواهش می‌کنم به من یادیده که چطور بخوانم»

17. So she did. Now when he made his lovely toys out of wood, he

could read the letters the children sent to him.

همسرش این کار را کرد. حال وقتی پیرمرد از چوب اسباب‌بازیهای دوست‌داشتنی می‌ساخت، می‌توانست نامه‌هایی را که بچه‌ها برایش می‌فرستادند بخواند

18. And he never went hungry again.

و هرگز دوباره گرسنگی نکشید

Comprehension:

در این قسمت شما بعد از خواندن متن به سؤالات پاسخ دهید و پاسخ خود را با پاسخهای داده شده مقایسه کنید.

- 1.The little old man stayed at home and made lovely toys out of wood.
- 2.No , he had never tried to buy things.
- 3.They wrote letters to tell him that they loved his toys.
- 4.He had to go to the store to buy his food that night.
- 5.He went to the store to buy food
- 6.other people didn't help him because he didn't like to ask
- 7.No , he jumped out of bed to open a round box.
- 8.yes we many get in to trouble if we don't know how read

True or False

II در این قسمت شما جوابهای درست یا غلط را با T یا F می بینید

1.F 2.F 3.F 4.T 5.T 6.F

III جملات را کامل کنید از جوابهای a, b, c, d استفاده کنید

1.d 2.c 3.c 4.d 5.a

گرامر درس پنجم

حرف تعریف معین (The) و کاربرد آن در جمله:

تعریف: هر گاه اسمی نزد شنونده آشنا باشد در انگلیسی بر سر آن در جمله از

این حرف استفاده می کنیم مثل :

1.clean the black board please.

لطفا تخته سیاه را پاک کنید

که در اینجا تخته سیاه در نزد شنونده آشناست و می داند کدام تخته سیاه مورد

نظر گوینده است یا در مثال زیر :

2.I found the bag

من کیفی را پیدا کردم .

3.I found a bag

شونده نمی داند که چه کیفی است و مال چه شخصی است.

اما در انگلیسی بر سر بعضی از کلمات اصلاً حرف تعریف The لازم نیست و اگر بکار ببریم غلط می شود مثل:

I saw Mr smith

من آقای اسمیت را دیدم

She went to Doamvand

او به دماوند رفت

که در دو مثال فوق استفاده از The بر سر Mr smith و یا بر سر اسم شهر Damavand غلط است.

موارد کاربرد حرف تعریف The در جمله:

The book

۱- قبل از اسم معرفه در جمله مثل : کتاب را

The smallest

۲- قبل از صفات عالی کوچکترین

که شما مبحث صفات عالی را در زبان (۱) خوانده اید

The sun

۳- قبل از اسامی اجرام آسمانی مثل: خورشید

The sky

۴- قبل از نام آسمان و فضا: فضا The space آسمان

The oman sea

۵- قبل از نام دریاها دریای عمان

The Atlantic ocean

۶- قبل از نام اقیانوسها اقیانوس اطلس

The Aras River

۷- قبل از اسمی رودخانهها رودخانه ارس

The AlborZ Mountains

۸- قبل از اسمی سلسله کوهها سلسله کوه البرز

The Persian Gulf

۹- قبل از اسمی خلیجها خلیج فارس

The U.S.A

۱۰- قبل از اسمی جمع جغرافیایی ایالات متحده آمریکا

۱۱- قبل از دو اسم که صفات و صفات الیه واقع شود

The door of the school

درب مدرسه

۱۲- قبل از اسمی که بیانگر طبقه‌ای باشد شیرها The lions

۱۳- قبل از صفت در این صورت معرف یک طبقه خواهد شد

جوانان The young

* و می‌دانیم که صفت در انگلیسی مرکز « s » جمع نمی‌گیرد .

۱۴- قبل از اسامی کتب مذهبی کتاب قرآن The Koran

۱۵- قبل از صبحانه و نهار و شام به طور خاص

The lunch I ate was delicious

نهاری که خوردم لذیذ بود

The cinema – the theater

۱۶- جلوی کلمات سینما و تئاتر

۱۷- قبل از نام آلات موسیقی

The piano is a music tool

پیانو ابزار موسیقی است

۱۸- برای خاطر نشان کردن موضوع خاص

In The North of Iran

در شمال ایران

۱۹- به عنوان قید و جانشین فاعل هر چه بیشتر بهتر The more , the better

* البته لازم نیست شما تمامی موارد را حفظ کنید فقط جهت مرور و آشنایی

آن را مشاهده کنید

۲. مواردی که کاربرد حرف تعریف The در جمله بر سر اسمی لازم نیست

علی The ~~Ali~~

۱- بر سر اسامی خاص

۲- بر سر صبحانه، نهار و شام به طور عام

من هر روز ساعت ۱ نهار می خورم I eat lunch at 1:00 o'clock every day

۳- بر سر کوه مفرد Damavand Mount ion کوه دماوند

۴- بر سر نام دریاچه

- دریاچه ارومیه آب شور دارد

The lake Oeromeih has a salty water

۵- نام کشور، ایالت، شهر the نمی خواهد Iran , Tehran losangless

۶- بر سر نام روزهای هفته لازم نیست Monday

۷- بر اسامی بازهای لازم نیست Football

۸- بر سر اسامی معنی لازم نیست دانش The ~~Knowledge~~

۹- اسامی جنس به شرطی که به طور عام بکار روند

- آب برای زندگی لازم است Water is necessary for life

وقت طلاست Time is gold

۱۰- جلوی اسامی جمع اگر به طور عامل به کار روند

سگها حیوانات خوبی هستند Dogs are good animals

۱۱- نام دانشگاه اگر مضاف و مضاف الیه نوشته نشود

دانشگاه تهران The ~~Tehran~~ university

۱۲- قبل از نام بیماریها او سردرد دارد She has a headache

۱۳- قبل از نام رنگها آن ماشین سفید است That car is white

۱۴- قبل از صفات ملکی آن اتومبیل من است That is my car

قبل از دو سال و ماه و فصل در سال ۱۹۹۷ In 1997

در سال سپتامبر In september

در زمستان In winter

کلمات را جایجا کنید و جملات جدید بسازید هر جا لازم است (The) را

استفاده کنید

Speaking 2

They arrived in Tehran in the morning

1. they arrived in London in the morning.

2. they arrived in New York in the morning

3. they arrived in England in the morning

4. they arrived in Germany in the morning.

5. . they arrived in Germany in the evening.

6. . they arrived in Germany in the afternoon.

7. . they arrived in Germany in the morning.

8. . they arrived in Germany in September.

9. . they arrived in Germany in Bahman.

10. . they arrived in Germany in 1985

همان طور که مشاهده می‌کنید در تمرین های ۸ و ۹ و ۱۰ احتیاجی به گذاشتن حرف تعریف The نیست چون در مورد ماه و سال گفته شد.

به این سوالات پاسخ دهید در این قسمت فقط پاسخها را مشاهده می‌کنید

Speaking 3

* در متن دقت کنید که چه جایی باید از The استفاده کنیم و چه جایی احتیاجی به The نیست.

1. He ate the sandwich

2. He wore the coat

3. He drove the car

4. Jim is going to America

* چون کشور مطرح است حرف تعریف نمی‌خواهد.

5. Amir goes to school after breakfast

* چون جمله بیان خبر است و همیشگی است، حرف تعریف نمی‌خواهد

6. she was born in the month of winter

موضوع دوم گرامر

کاربرد what , who :

هنگامی که درباره فاعل جمله سوال می شود از who , what استفاده می کنیم در این صورت کافیت فاعل را عوض کنیم و به جای کلمه پرسشی را قرار دهیم جمله را با همان ترتیب ادامه می دهیم و در انتهای جمله علامت سؤال بگذاریم.

از who به جای فاعل انسانی و از what به جای فاعل غیر انسانی (حیوان یا شیء) استفاده می شود مثل:

1. ~~Mina~~ came late . who came late?

2. ~~The wind~~ closed the door. What closed the door?

این تمرین را برای خودتان تکرار کنید و از کتاب استفاده کنید.

Speaking 4:

کلمات را جایگزین کنید و جملات جدید بسازید. هر گاه لازم است تغییری بدهید.

Speaking 5:

Who opened the window yesterday?

1.who closed the window yesterday?

2.who was playing football yesterday?

3.who is playing football now?

4.who is going to the library now?

5.who will go to the library tomorrow?

6. who will go to the library tomorrow?

7.who goes to the park tomorrow?

8. who should go to school tomorrow?

با کلمه who سؤال بسازید

Speaking 6

* مجدداً به گرامر درس مراجعه کنید و مشاهده کنید که کاربرد who به چه صورتی است سپس به حل این تمرین بپردازید. و جوابهای خود را با جوابهای ما مقایسه کنید.

1.who always speaks English?

2.who helped the teacher?

3.who could see his friend?

4.who will help the sick people?

5.who is answering the telephone?

با استفاده از **where , what , who** و غیره سوال بسازید هر کجا لازم است از

Speaking 7

فعل کمکی استفاده کنید.

Example: به مثال توجه کنید و بعد به سؤالا پاسخ دهید.

The students visited the factory yesterday.

موقعیت ۱: محصلین دیروز از کارخانه دیدار کردند

1.who visited he factory yesterday? (The students)

۱- چه کسی دیروز از کارخانه دیدار کرد؟ دانش آموزان

The students visited the factory yesterday?

2.what did the students visit?(the factory)

۲- دانش آموزان از چه چیز دیدار کردند؟ (کارخانه)

The students visited the factory

3.when did the students visit the factory?(yesterday)

۳- چه وقت دانش آموزان از کارخانه دیدار کردند؟ (دیروز)

The students visited the factory yesterday.

*همان طور که مشاهده می کنیم از **when , what , who** جهت سؤال استفاده

شده است و کاربرد هر کدام را شما جداگانه در گرامر مشاهده کرده اید. سعی

کنید ابتدا خودتان جواب در سؤال را بدهید و بعد جوابها را مقایسه کنید.

Situation

1.Mr Tehrani can help the students today

در این تمرین همانطور که می بینید در داخل پرانتز (Mr Tehrani) آمده است

که شما باید از who به جای آن استفاده کنید (جهت سؤالی کردن)

who can help the students today? :جواب

در این تمرین هم شما باید از when جهت سؤالی کردن به معنی (چه وقت)

استفاده کنید

when can Mr Tehrani help the students? :جواب

Situation 2. A lot of tea grows in Iran.

what grows in Iran? :جواب (a lot of tea)

How much tea grows in Iran? (a lot of)

Where does a lot of tea grow? (In Iran)

Situation 3. The teacher explained the lesson to us this morning

Who explained the lesson to us this morning? (the teacher)

What did the teacher explain to us this morning? (this morning)

Situation 4. Reza will buy a bicycle next year.

Who will buy a bicycle next year? (Reza)

What will Reza buy next year? (a bicycle)

When will Reza buy a bicycle? (next year)

Situation 5. My friend's father was living in Tehran ten years ago

Who was living in Tehran ten years ago? (my friend's father)

Where was he living ten years ago? (in Tehran)

When was he living in Tehran? (ten years ago)

هر کجا حرف تعریف The لازم است پر کنید

Writing 1.

1. my mother is making tea in the kitchen.
2. I usually get up early in the morning .
3. the tourists arrived in the Isfahan at 7
4. I'm cold please close the window
5. she never comes here on the Wednesdays.
6. I didn't listen to the news last night
7. they haven't seen each other since the February.
8. we get heat from the sun
9. write this sentence on the blackboard , Ali
10. I have come here to see the Jack and his family

با who پنج سؤال بنویسید

writing 2

ما ۲ مثال برای شما می آورديم و بقیه مثالها را خودتان بسازید تا کاربرد who را بهتر یاد بگیرید.

1. who had seen this film before? چه کسی این فیلم را قبلاً دیده بود؟

چه کسی می تواند امروز به من کمک کند؟ 2.who can help me today?
پنج سؤال با what بنویسید.

Writing 3

به ۲ مثال زیر دقت کنید و بقیه را خودتان بسازید

- 1.what grows in the North of Iran? چه چیز در شمال ایران می روید؟
- 2.what will she buy for your birthday?

برای روز تولد شما او چه خواهد خرید

Vocabulary Review (مرور لغت ها)

با کلمات درست جملات زیر را پر کنید

- 1.I don't like onion soup a tall
2. He bought what looked like a sugar box
- 3.Is smoking against the law?
- 4.I missed the bus , that is the reason why I am late
- 5.the toy gun was just like a real gun
6. Each time you do the puzzle right , I'll give you a reward

موفق باشید الهه شاهقلی

زبان انگلیسی ۲
سال دوم دبیرستان
درس ششم

شما علاوه بر ترجمه فارسی می توانید مترادف و یا تضاد بعضی از لغات را مشاهده کنید.

لغت

ترجمه فارسی

a short while

مدت کوتاهی

advice

پند، نصیحت

all of a sudden = suddenly

ناگهان

bother = to disturb = suddenly

زحمت، دردسر

breath

نفس

breathe = to take air

نفس کشیدن

business = buying and selling

کار، تجارت

coin

سکه

cover = protect

پوشش، پنهان کردن

cure = treatment

معالجه، مداوا

disease = illness of the body in humans

بیماری

extra = more than is usual

اضافی، فوق العاده

for no good reason	بی هیچ دلیل معینی
giggle = to laugh in a silly way	پوزخند زدن
go hic	سکسکه کردن
go on a picnic	به گردش رفتن
here self	خودش (مونث)
hic	سکسکه کردن (فعل)
himself	خودش (مذکر)
hold one's breath	نفس را نگه داشتن
humid = wet	مرطوب
illness = sickness	بیماری
itself	خودش
jerk = to move	متقبض شدن (فعل)
last	طول کشیدن
lend ≠ borrow	قرض دادن
lucky = having success	خوشبخت
medicine	دارو
mind	اهمیت دادن
miss	دل‌تنگ شدن
most of the time	بیشتر اوقات

mouth	دهان
muscle	ماهیچه عضله
myself	خودم
obey = to do what you are told to do	اطاعت کردن
order	دستور، دستور دادن
ourselves	خودمان
paper bag	کیسه کاغذی (پاکت)
pay attention = notice	توجه کردن
picnic	گردش، مهمانی
rainy	بارانی
record	ثبت و ضبط
scare = frighten	ترساندن
second	دومین
secretary = a person who works in an office	منشی
stop	متوقف کردن
successful = having achieved what you wanted	موفق
suddenly = happening quickly	ناگهان
take a breath	نفس گرفتن
them selves	خودشان

try = attempt

سعی کردن

un welcome

ناخوشایند

wet = humid

مرطوب، خیس

while = during the time that

مدت، دوره زمانی

yourself

خودت

your selves

خودتان

New Words

لغات جدید :

سعی کنید لغات را در جمله یاد بگیرید و تکرار کنید.

1. The boy is holding his breath. پسر نفسش را نگه داشته است.

He can do it about one minute.

او می تواند این کار را برای حدود یک دقیقه انجام دهد.

What is the boy doing?

- He is holding his breath.

How long can he hold his breath?

- For one minute.

2. we breathe through our nose. We breathe all the time.

ما از طریق بینیمان تنفس می کنیم. ما در تمامی مواقع تنفس می کنیم.

Should we breathe through our mouth?

- No, we shouldn't.

can we stop breathing for along time?

- No, we can not.

3. The horse is running very fast. Something has scared him.

اسب بسرعت در حال دویدن است. چیزی او را ترسانده است.

Why is the horse running fast?

- some thing has scared him.

What has scared him?

- A lion has scared him.

4. Tom ate the whole cake. He didn't leave any for his sister.

تام تمام کیک را خورد. او چیزی برای خواهرش نگذاشت.

Did Tom eat all the cake?

- yes, he did.

Did he leave anything for his sister?

- No, he didn't.

5. most of the time hiccups last only for a short time.

بیشتر اوقات سکسکه‌ها تنها برای مدت زمان کوتاهی به طول می‌انجامند.

Do hiccups usually last long?

- No, they don't.

Do they usually stop after a short time?

- yes, they do.

Practice your new words.

کلمات جدیدتان را تمرین کنید.

ابتدا لغات اول درس را بخوانید و سپس جاهای خالی را با کلماتی که خوانده‌اید

پر کنید.

1. The doctor told me to take a deep **breath** and say "AH".
2. He was **breathing** hard when he stopped running.
3. I'm sure the loud noise will **scare** the baby.
4. How many days will their visit **last**?
5. I was very thirsty so I drank a **whole** glass of water.

READING

HIC, HIC, HIC

سکسکه

1. you never know when they'll start you're reading.

هرگز نمی دانید که چه وقت آغاز می شوند، در حال خواندن هستید.

Or maybe you're playing. you're minding your own business.

یا شاید در حال بازی کردن هستید، دارید به کار خودتان می رسید.

All of a sudden you go hic! ناگهان یک سکسکه به شما دست می دهد!

A few seconds pass. You go hic again.

چند ثانیه می گذرد، دوباره سکسکه می کنید.

2. oh – oh! It's the hiccups. I hope they go away soon!

آه، آه، این سکسکه است، امیدوارم به زودی برطرف شود.

3. The hiccups aren't an illness. They're just something that happens.

سکسکه ها یک بیماری نیستند، آنها تنها یک اتفاق هستند.

One of the muscles that help you breathe starts jerking for no good reason.

یکی از ماهیچه‌هایی که در تنفس به شما کمک می‌کند بدون هیچ دلیل معینی ناگهان شروع به انقباض می‌کند.

And that's when you hic. No, the hiccups are not an illness.

و آن وقت است که شما سکسکه می‌کنید. نه، سکسکه‌ها یک بیماری نیستند.

But they're as un welcome as a bad cold. They're a big bother.

اما به اندازه یک سرماخوردگی سخت، ناخوشایند است. آن یک دردسر بزرگی است.

4. At first they may seem funny. You may be sitting in class.

اول ممکن است خنده‌دار به نظر برسد. ممکن است در کلاس نشسته باشید.

You keep going hic, hic, hic. Your friends may start to giggle.

بعد به سکسکه کردن ادامه می‌دهید. دوستانتان شروع می‌کنند به خندیدن.

Hic, Hic, Hic! What if it doesn't stop? Then it's not so funny.

شما سکسکه می‌کنید. اگر متوقف نشود چه خواهد شد؟ آنوقت دیگر آنقدرها هم خنده‌دار نیست.

If they go on to long, hiccups can make you feel bad.

اگر این سکسکه‌ها زیاد طول بکشند آن وقت می‌توانند باعث شوند که شما احساس بدی پیدا کنید.

They can make you feel as bad as any illness. They can hurt.

آنها ممکن است احساس هر بیماری بد دیگری را به شما بدهند. آنها می‌توانند به شما آسیب برسانند.

5. Most people think they know how stop hiccups.

بیشتر مردم فکر می‌کنند که می‌دانند چگونه باید سکسکه را متوقف کرد.

Just ask them. They'll tell you to hold your breath.

فقط از آنها بپرسید. آنها به شما خواهند گفت که نفستان را حبس کنید.

Or they may tell you to breathe into a paper bag for a few minutes.

یا ممکن است به شما بگویند که درون یک پاکت کاغذی برای چند ثانیه نفس بکشید.

Or drink a whole glass of water while you hold your breath.

یا همین طور که نفستان را حبس کرده‌اید یک لیوان پر از آب بنوشید.

Or get some one to scare you by making a loud noise.

یا از کسی بخواهید که شما را با یک صدای بلند بترساند.

Some of these cures seem to work. You can try them.

برخی از این معالجات به نظر می رسد که مؤثر باشند می توانید آنها را امتحان کنید.

One of them might help you.

ممکن است یکی از آنها کمکتان کند.

6. Doctors can't do much for the hiccups.

پزشکان نمی توانند برای سکسکه کار زیادی انجام دهند.

There are a few medicines that help to stop the hiccups sometimes.

داروهای کمی وجود دارند که برخی مواقع می توانند سکسکه را متوقف کنند.

But most doctors just tell you to wait. Wait till the hiccups go a way.

اما بیشتر دکترها فقط به شما می گویند که باید صبر کنید. صبر کنید تا سکسکه از بین برود.

And that's good advice, since most of the time they last only a short while.

و این نصیحت خوبی است زیرا بیشتر مواقع سکسکه تنها مدت کوتاهی به طول می انجامد.

7. But Jack O'Leary wasn't so lucky.

اما جک اولری چندان خوش شانس نبود.

He hiccupped about 160 million hics before his hiccups went a way.

او پیش از آنکه سکسکه‌اش متوقف شود ۱۶۰ میلیون بار سکسکه کرد.

Mr. O'Leary holds the world's record for hiccupping.

آقای اولری رکورد سکسکه جهان را در دست دارد.

He hiccupped for eight years, from 1948 to 1956.

او هشت سال سکسکه کرد، از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۵۶.

8. what finally cured him? I don't know.

بالاخره چه چیز او را معالجه کرد؟ من نمی‌دانم.

Maybe he scared himself with an extra loud HIC!

ممکن است او خودش را با یک سکسکه بسیار بلند ترسانیده باشد.

COMPREHENSION

شما بعد از خواندن متن به راحتی می‌توانید به این سؤالات پاسخ دهید ابتدا خودتان جواب دهید و بعد با جوابهای ما مقایسه کنید.

1. one of the muscles that help us breathe starts jerking for no good reason.
2. they usually last only a short while.
3. If they go on too long, hiccups can make you feel bad.
4. Because he hiccupped about 160 million hics before his hiccups went a way.
5. That is one way that maybe useful to stop hiccups.
6. No, I have never hiccupped for a long time.

TRUE OR FALSE?

در اینجا مانند درسهای قبلی درست یا غلط بودن جملات را با T یا F می‌توانید مشاهده کنید.

1. T 2. T 3. T 4. T 5. T 6. F

III این جملات را با استفاده از جوابهای a,b,c یا d کامل کنید.

1. c 2. b 3. a 4. d 5. b

قسمت دوم گرامر:

موضوع گرامری این درس در مورد جملات شرطی یا (If clause) است.

شرطی‌ها جملاتی هستند که دارای If می‌باشند و از دو قسمت تشکیل می‌شوند:

۱) قسمت شرط که با if و یا ادوات شرط همراه است. ۲) قسمت نتیجه یا جواب شرط است.

تذکره ۱) در تمام انواع شرطیها وقتی قسمت شرط در آغاز جمله و قسمت نتیجه بعد از آن قرار گیرد بین آنها کاما لازم است. اما اگر جایی نوشته شوند دیگر علامت کاما لازم نیست.

* شرطی در انگلیسی سه نوع مهم دارد و یک نوع هم شرطی ساده یا صفر گفته می‌شوند که این نوع هر دو قسمت آن حال ساده است.

مثال: If you boil water, it changes to steam.

اگر شما آب را بجوشانی آن به بخار تبدیل می‌شود.

جمله شرط	و	جمله نتیجه
↓		↓
حال ساده	و	حال ساده

تست: If rain starts, the high of the water → in.

The river.

a) will increase

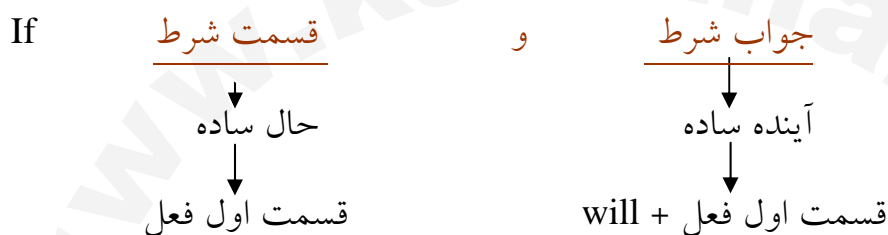
b) increased

c) increases

d) would increase

جواب تست گزینه C می باشد چون یک حقیقت علمی را بیان می کند و starts بصورت حال ساده آمده است در قسمت نتیجه هم فعل باید بصورت حال ساده بیان شود.

فرمول شرطی نوع اول:



If maryam walks to school, she will get late.

If he works hard, he will have a good salary.

حال ساده

آینده ساده

اگر او سخت کار کند حقوق خوبی خواهد داشت.

نکته (۱) جمله شرطی با قسمت نتیجه آن می تواند سئوالی شود آن هم در همان خود جمله یا پس از جابجایی شرط و نتیجه:

If he works hard, will he get a good salary?

اگر او سخت کار کند، آیا حقوق خوبی خواهد گرفت؟

و جمله فوق را به طریق زیر هم می توان نوشت:

Will he get a good salary If he works hard?

آیا او حقوق خوبی خواهد گرفت اگر سخت کار کند؟

نکته (۲) اگر در شرطی نوع اول و در قسمت شرط آن should داشته باشیم، این کلمه می تواند به جای if در آغاز جمله قرار گیرد و باز هم جمله شرطی است و نبایستی تصور کرد که جمله سئوالی شده.

مثال:

If you should see her, tell her the matter.

Should you see her, tell her the matter.

که ترجمه هر دو جمله این است: اگر احیاناً او را می بینید، موضوع را به او بگویید.

نکته (۳) ادوات شرط در انگلیسی عبارتند از:

(مادامیکه) as long as ، (مگر اینکه) unless ، (اگر فقط) If – If only ، (تا اینکه) till ، (بفرض) suppose ، (بشرط آنکه) on condition that ، (تا اینکه) until و غیره.

As soon as I see him, I'll tell him.

مثال:

به محض اینکه او را می بینم به او خواهم گفت.

نکته (۴) در مورد unless مطلب مهمی است و آن اینکه اگر کلمه unless در جمله شرطی قرار گیرد همیشه به همراه فعل مثبت می آید اما مفهوم فعل آن منفی است و در واقع رابطه زیر نتیجه می شود:

فعل منفی + if = فعل مثبت + unless

Unless you go now, you will not see him.

If you don't go now, you will not see him.

که ترجمه هر دو جمله یکی هستند و ترجمه آنها چنین است: اگر حالا نروی او را نخواهی دید

در این قسمت شما مثالهای خوبی را از جملات شرطی می توانید در کتاب ببینید.

SPEAKING 1.

این تمرینات را با دقت بخوانید و سعی کنید جملات مجهول را یاد بگیرید.

SPEAKING 2.

در جمله الگو کلمات را جانشین کنید. اگر لازم است تغییر لازم را بدهید.

If I finish my homework before 5, I'll go to the cinema.

1. If we finish our homework before 5, we'll go to the cinema.
2. If he finishes his homework before 5, he'll go to the cinema.
3. If my brother finishes his homework before 5, he'll go to the cinema.

4. If mehdi finishes his homework before 5, he'll go to the cinema.

5. If his friends finish their homework before 5, they'll go to the cinema.

I'll watch TV if I finish my homework soon.

1. I'll help my brother if I finish my homework soon.
2. I'll wash the dishes if I finish my home work soon.
3. I'll go to see Ali if I finish my homework soon.
4. I'll read the story book if I finish my homework soon.
5. I'll answer the letter if I finish my homework soon.

will you buy this motorcycle if they fix it?

1. will I get there in time if I take a taxi?
2. will the doctor come if I telephone him?
3. will you buy me a bicycle if I pass all my exams?
4. will you eat the apples if they are not clean?
5. will we go on a picnic if it is not rainy?
6. will they wait for us if we get there late?

SPEAKING 3.

به سئوالات پاسخ دهید.

شما فقط جواب را مشاهده می کنید.

1. No, if I don't work hard, I will not be successful in my life.
2. yes, if I leave my home at 7:00 I'll be late for my school.
3. yes, you will have an accident, if you don't drive carefully.
4. No, I can't buy a bicycle, if I have 2000 tomans.
5. yes, I should help my brother, if she is busy and needs my help.

II)

1. If I find some money, I will give it to the police.
2. If I get good marks, my parents will be happy.
3. If I am cold, I'll put on warm clothes.
4. If I have only 500 tomans, I can buy a cheap book.
5. If I am weak in English, I will go to a good class.

قسمت دوم گرامر:

ضمایر تاکیدی و انعکاسی: *self pronouns*

این ضمایر به نام فوق یا با نام Reflexive and Emphatic pronouns خوانده می‌شوند و در انگلیسی به شرح زیر هستند:

مفرد		جمع	
myself	خودم	ourselves	خودمان
yourself	خودت	yourselves	خودتان
himself	<div style="display: flex; align-items: center; justify-content: center;"> <div style="font-size: 3em; margin-right: 5px;">}</div> <div style="text-align: center;"> مذکر مونث </div> <div style="font-size: 3em; margin-left: 5px;">}</div> </div>	Themselves	خودشان
Herself			
It self			

این ضمایر دارای ۲ نوع کاربرد هستند: (۱) **انعکاسی**. (۲) **تاکیدی**.

(۱) **انعکاسی**: گاهی در جمله فاعل و مفعول هر دو یکی هستند، در این صورت به جای مفعول از ضمیر انعکاسی استفاده می‌شود.

I saw myself in the mirror.

ضمیر انعکاسی به جای مفعول فاعل

He killed himself.

مفعول فاعل

او خودش را کشت.

در این جملات بازتاب یا انعکاس کاری که فاعل انجام داده است به خودش باز می گردد. اگر جمله دارای دو مفعول باشد یکی از مفعولها بر شخص دلالت می کند و دیگری برشی را در این صورت باید اجزای جمله را طبق فرمولهای زیر مرتب کند.

مفعول شخصی ضمیر انعکاسی + for + مفعول شیء + فعل + فاعل (۱)

او برای خودش یک کتاب خرید.

She bought a book for herself.

مفعول شیء + مفعول شخص (ضمیر انعکاسی) + فعل + فاعل (۲)

She bought herself a book.

(۲) **تاکیدی:** گاهی در بعضی جملات بر شخص فاعل تاکید می شود در این

صورت نیز می توانیم از دو فرمول برای کاربرد ضمیر تاکیدی استفاده کنیم.

..... + ضمیر تاکیدی + فاعل (۱)

They themselves invited us.

ضمیر تاکیدی + + فاعل (۲)

They invited us themselves.

SPEAKING 4.

این جملات را تکرار کنید.

I hurt my self

این مدل انعکاسی است زیرا ضمیر self بلافاصله بعد از

فعل اصلی جمله یعنی hurt قرار گرفته است.

I'll buy a shirt for myself.

باز هم الگوی فوق انعکاسی است زیرا ضمیر self همراه حرف اضافه for آمده و

کار را برای خود شخص انجام شده است.

I myself wrote the letter.

در مثال فوق ضمیر self تاکیدی است زیرا قبل از فعل اصلی در جمله نشسته

است.

SPEAKING 5.

کلمات را در جمله الگو جانشین ساخته، تغییر لازم را بدهید.

Parvin made some tea for herself.

1. your sister made some tea for herself.
2. my father made some tea for him self.
3. I made some tea for myself.
4. They made some tea for them selves.
5. We made some tea for ourselves.
6. The girls made some tea for them selves.

I'll buy my self a dictionary.

الگوی مذکور مدل انعکاسی است زیرا ضمیر self بلافاصله پس از فعل اصلی جمله آمده است .

1. He'll buy himself a dictionary.
2. She'll buy herself a dictionary.
3. We'll buy ourselves a dictionary.
4. They'll buy themselves a dictionary.
5. The students will buy themselves a dictionary.

6. Her brother will buy himself a dictionary.

7. My sister will buy herself a dictionary.

الگوی سوم تأکیدی است زیرا ضمیر self قبل از فعل اصلی جمله آمده است. الگو

و جوابها به شرح زیر هستند:

I my self will clean the car.

1. He himself has fixed the car.

2. She herself must drive the car.

3. We ourselves had washed the car.

4. They themselves found the car.

5. Jack himself has parked the car.

6. Betty herself can clean the car.

7. You yourself should drive the car.

SPEAKING 6.

جملات را تکرار کنید از مدل پیروی کنید:

She made a cake for herself.

She made herself a cake. او برای خودش یک کیک درست کرد.

که این مدل انعکاسی است زیرا ضمیر self یکبار پس از حرف اضافه for بعد از مفعول (cake) در جمله آمده و یکبار هم با حذف حرف اضافه جابجا شده و بدنبال فعل اصلی جمله آمده است. پس در این تمرین با حذف حرف اضافه for و جابجایی مفعول انسانی یا شیئی پاسخها ارائه شده‌اند.

1. George has bought himself a note book.
2. I couldn't find myself a chair.
3. Haven't you found your self a job yet?
4. Jane hadn't ordered herself a cake.
5. I wanted to cut my self a slice of cake.

SPEAKING 7.

با استفاده از **myself** و **yourself** و غیره به این سئوالات پاسخ دهید.

به مثال توجه کنید:

Who has made the dress for her?

چه کسی کیک را برای او درست کرده است؟

No body, she has made it herself.

هیچ کس، او خودش این کیک را درست کرده است.

* ضمیر تاکیدی است زیرا ضمیر **self** پس از مفعول **it** در جمله بدون حرف اضافه آمده است.

جواب سئوالات به شرح زیر است:

1. No body, he has repaired it himself.
2. No body, he wants to make it himself.
3. No body, he has found it himself/
4. No, he has bought it himself.
5. No, she is making it herself.

WRITING 1.

این جملات را کامل کنید. از کلمات داخل پرانتزها استفاده کنید. از خودتان کلماتی که لازم است اضافه کنید این تمرین مهم است سعی کنید با دقت به حل

آن بپردازید.

1. If you don't wash fruits before eating them. You may get sick
(get sick).
2. I will turn down the radio if you want (want).
3. If the weather is fine this evening, we will play tennis in the yard.
(play).
4. we can go to the cinema if you are free. (be free).
5. you won't learn English if you don't speak it. (speak).
6. If you leave home late, you will be late for the class.
7. you can take off your coat if you are warm. (be warm).
8. If you are in a hurry, you can take a taxi. (take a taxi).

WRITING 2.

با استفاده از شکل درست افعال داده شده مکالمه زیر را کامل کنید.

- What are you going to do on Friday morning?
- I don't like to stay at home. I will **go** for a walk if it **is fine**.
- Are you going with your brother or with your friend?
- If my brother is busy, I **will go** with my friend.
- What will you **do** if it **isn't** fine?
- oh, I don't know.
- There is a good film on TV at 9 o'clock.
- If the film **is** good, I **will stay** at home.

WRITING 3.

شش جمله بنویسید در مورد اینکه جمعه آینده اگر هوا خوب باشد چه خواهید کرد.

اگر تعداد زیادی مهمان داشته باشید، اگر شنبه بعدش یک آزمون داشته باشید ابتدا مروری بر قسمت اول گرامر منظور جملات شرطی داشته باشید و سپس به حل این تمرین پردازید ما ۳ مثال برای شما می زنیم و شما مثالهای خود را با ما مقایسه کنید.

1. If the weather is fine next Friday, I'll go to the park.
2. If my mother has some guests, I will help her.
3. If I have a test next Saturday, I'll stay at home and study my lesson.

WRITING 4.

جملات را با ضمیر self کامل کنید.

1. can you clean the room for me?

Why don't you clean it yourself?
تاکیدی

2. will you buy a newspaper for me?

Why don't you yourself buy it?
تاکیدی

3. Did Mr Baker's secretary type his letters?

No he himself typed them.
تاکیدی

4. who washed the clothes for her?

No body, she herself washed them.
تاکیدی

5. Do you want to buy him a pen?

Why doesn't he himself buy it?
تاکیدی

WRITING 5.

این جملات را دوباره بنویسید به مثال توجه کنید و بعد به حل تمرین بپردازید:

Example: He posted the letter himself.
سیدی

He himself posted the letter.

همانطور که می بینید ضمیر تأکیدی به قبل از فعل انتقال یافته است. (شما جوابها را مشاهده می کنید).

1. she herself wants to make the cake.
تأکیدی

2. I my self must write this letter.
تأکیدی

3. we our selves had to repair the car.
تأکیدی

4. you yourself have ordered the food.
تأکیدی

نکته : حتی اگر در جمله فعل کمکی هم مثل **may , can . must** و همچنین

have to و غیره داشته باشیم این ضمایر **self** در حالت تأکیدی در جمله قبل از آن

می نشیند .



زبان انگلیسی ۲
سال دوم دبیرستان
درس هفتم

شما علاوه بر ترجمه فارسی می توانید مترادف و یا تضاد بعضی از لغات را مشاهده کنید.

ترجمه فارسی مترادف - تضاد لغت

Actually	= Really / infact	واقعاً
Agree about		موافق بودن درباره
Appointment	= visit sb at particular time	قرار ملاقات
Backache		کمردرد
Behavior	= manner	رفتار
Birthday		روز تولد
Comment a bout		تفسیر
Common	= usual	معمولی
Composition		انشاء
Conversation		مکالمه
Date		تاریخ
Depend on	= to be sure	وابسته بودن به
Describe	= to say what sb/sth is like	شرح دادن
Different	= not the same as sb / sth	متفاوت از

Disagree a bout	≠ agree about	مخالفت کردن
Education		تحصیل
Expect	= believe that sth will happen	انتظار و توقع
Expression	= opinion – idea	اظهار و بیان
Finger		انگشت
Fixed	= not changing	ثابت
Friendly		دوستانه
Greet	= word of welcome	سلام و احوالپرسی کردن
Greeting	= the first words used when one sees sb	سلام و احوالپرسی
Headache	= a continuous pain in the head	سر درد
Health		سلامت
How is every thing with you?		با اوضاع چطوری؟
Idea	= openion	عقیده
Importance	= having value	اهمیت
Living	= not dead	زنده
Necessary	= needed	لازم و ضروری
Opinion	= idea	عقیده
Peace	= freedom from was or violence	صلح
Politics		سیاست
Professor	= a university teacher of the highest grade	استاد
Purpose	= aim	منظور و هدف

Quiet	= calm	آرام
Race	= match	مسابقه
Religion		مذهب
Require	= need	نیاز و ضرورت داشتن
Safe		سالم
Similar	= like	مشابه
Small talk		گفتگوی کوتاه
Social		اجتماعی
Start	≠ end	شروع
Sufficient	= enough	کافی
Suitable	= unsuitable	مناسب
Super market		فروشگاه بزرگ
Take place	= happen	اتفاق افتادن
Topic		عنوان
Transport		طریقه حمل و نقل
Usual	≠ unusual	معمول
Vocabulary		واژگان
Walk around		وقت گذرانی بیهوده
Write about		نوشتن درباره

New Words

لغات جدید :

a. we have got every thing in our supermarket sir

ما در سوپر مارکتمان همه چیز را فراهم کرده ایم ، قربان

What do you require?

شما چه چیز نیاز دارید؟

I just want some sugar

من فقط قدری شکر می خواهم

b. He is going to live in a small

او قصد دارد در یک دهکده کوچک زندگی کند

village

He requires peace and quiet

او نیاز به آرامش و سکوت دارد

c. I can't do the job alone , I require help

من نمی توانم این کار را به تنهایی انجام دهم من نیاز به کمک دارم

2- a. I am glad that they can't change their prices in this store

من خوشحالم که آنها نمی توانند قیمت های خود را در این فروشگاه عوض کنند

They are always fixed

آنها همیشه ثابت هستند

b. I'm sure he will not change his idea

من مطمئن هستم که او عقیده خودش را تغییر نخواهد داد

People say that he has a fixed idea

مردم می گویند که او عقیده ثابتی دارد

3- a. Our teacher told us to write about the accident

معلم ما به ما گفت که درباره آن تصادف بنویسیم

I think it is an interesting topic

من فکر می کنم آن عنوان جالبی است

b. people always talked about war

مردم همیشه درباره جنگ حرف می زدند

You know this was a topic for conversation a few years ago

شما می دانید این عنوان جالبی برای صحبت در چند سال قبل بود

c. The topic of his composition was the "Importance of Education"

عنوان انشاء او اهمیت تحصیل بود

4-a. Everybody talked about his book

همه درباره کتاب او صحبت می کردند

But the new teacher did not comment on it

اما معلم جدید درباره آن اظهار نظر نکرد

B . you are my older brother

شما برابر بزرگترین هستید

You can comment on my job

شما می توانید روی شغل من اظهار نظر کنید

5- a . Do you ever go to the seaside in winter?

آیا شما در زمستان به کنار دریا می‌روید؟

No , we don't winter is not a suitable time for swimming

نه نمی‌روم زمستان زمان مناسبی برای شنا نیست

b. today is very cold . you're wearing just a shirt

امروز خیلی سرد است، شما فقط یک پیراهن پوشیده‌اید

This is not suitable for winter days

این مناسب روزهای زمستان نیست

c. Tehran is a very busy city. It is also very expensive

تهران شهر بسیار شلوغی است آن همچنین خیلی گران است

I think it is not a suitable place for living

من فکر می‌کنم آن مکان جالبی برای زندگی نیست

Reading

How Are You?

حال شما چطور است؟

1- Hello. How are you? Good morning سلام حال شما چطور است؟ صبح بخیر

Have you eaten yet? آیا هنوز غذا نخورده‌اید؟

Where are you going? شما به کجا می‌روید؟

These are greeting which people use in different languages when they meet each other
اینها سلام و احوالپرسی‌هایی هستند که مردم در زبانهای مختلف استفاده می‌کنند وقتی که آنها همدیگر را ملاقات می‌کنند

But what is a greeting? اما سلام و احوالپرسی چیست؟

2- A greeting is a way of being friendly to someone

یک سلام و احوالپرسی راهی برای درست بودن با شخصی دیگر است

It is a way of being polite آن راهی برای مودب بودن است

It is also a way of starting a conversation

آن راهی برای شروع یک مکالمه نیز است

In many languages a question is used as a greeting

در بسیاری از زبانها یک سوال برای سلام و احوالپرسی به کار می‌رود

Where are you going? شما به کجا می‌روید؟

How's everything with you? اوضاع چطور است؟

But questions like these are not real questions

اما سوالاتی از این قبیل سوالات واقعی نیست

They do not require a full answer or even a true one

آنها به یک جواب کامل یا حتماً یک جواب واقعی نیاز ندارند

In English , for example , the commonest greeting is a question about a person's health

برای مثال در انگلیس متداول‌ترین سلام و احوالپرسی سوالی درباره سلامت یک شخص می‌باشد

How are you? حالتان چطور است؟

But we do not expect people to tell us about their health

اما ما انتظار نداریم که مردم به ما درباره سلامتشان چیزی بگویند

3- we do not expect them to talk about their headache or their backache , if they have one

ما انتظار نداریم که آنها درباره سردرد یا کمردردشان چیزی بگویند اگر به یکی از دردها مبتلا هستند

People reply to these questions with a fixed expression such as

مردم به این سوالات با یک عبارت ثابت جواب می‌دهند از قبیل:

I'm fine, thanks . Or I'm very well thanks

خوبم ، متشکرم، یا خیلی خوبم، متشکرم

In the same way , in countries where people greet

به همین طریق در کشورهایی که مردم آنجا با یک جمله

each other with "where are you going?"

(شما به کجا می‌روید؟) سلام و احوالپرسی می‌کنند،

a simple reply such as just walking around is sufficient

یک جواب ساده از قبیل: "قدم می‌زنم" کافی است

It is not necessary to describe where you are actually going

این ضروری نیست که توضیح دهید که شما واقعاً به کجا می‌روید

4. In most languages a greeting is usually followed by 'small talk'

در بیشتر زبانها معمولاً پس از یک سلام و احوالپرسی (گفتگوی کوتاه) دنبال می‌شود

Small talk means the little things we talk about at the start of a conversation

گفتگوی کوتاه یعنی موضوعات کوچکی که ما در آغاز مکالمه خود درباره آن گفتگو می‌کنیم

In English speaking countries people often make small talk about the weather

در کشورهای انگلیسی زبان مردم اغلب گفتگوی کوتاه را درباره هوا انجام می‌دهند

"Nice day , isn't it"?

روز قشنگی است ، اینطور نیست؟

"Terrible weather , isn't it"?

هوای خیلی بدی است، اینطور نیست؟

But there is something special about small talk

اما موضوع خاصی درباره گفتگوی کوتاه وجود دارد

It must be about something which both people have the some opinion about

آن مطلب بایستی درباره چیزی باشد که هر دو نفر درباره آن عقیده یکسانی داشته باشند

The purpose of small talk is to let both people agree on some thing

منظور از گفتگوی کوتاه این است که این امکان را بوجود آورد که هر دو نفر بر سر چیزی موافقت داشته باشند

This makes meeting people easier and more confortable

این موضوع باعث می شود که ملاقات مردم با هم آسانتر و راحتتر صورت گیرد

People usually agree about the weather , so it is a safe topic for small talk

مردم معمولاً درباره هوا با هم اتفاق نظر دارند بنابراین این عنوان سالمی برای گفتگوی کوتاه است

But people often disagree about religion or politics , so these are not suitable topics for small talk in English

اما مردم اغلب درباره مذهب یا سیاست با هم مخالفند بنابراین اینها عنوانهای مناسبی برای یک گفتگوی کوتاه در زبان انگلیسی نیستند

The topics for small talk also depend on where the conversation is taking place

عنوانهای کوتاه همچنین بستگی به این دارد که در کجا مکالمه صورت می پذیرد

At football matches , people make small talk about the game they are watching Great game , isn't it?

در مسابقات فوتبال مردم گفتگوی کوتاه را درباره بازی که در حال تماشای آن هستند انجام می دهند آنها می گویند : بازی بزرگی است اینطور نیست؟

At bus stops , people may comment about the transport system

در ایستگاههای اتوبوس مردم ممکن است درباره سیستم حمل و نقل اظهار نظر کنند

"The buses are very slow these days , aren't they?"

اتوبوسها این روزها خیلی کند هستند، آیا نیستند؟

5- Greeting and small talk are an important part of conversation in any language

سلام و احوالپرسی و گفتگوی کوتاه قسمت مهمی از مکالمه در هر زبانی هستند

The way people greet each other and the things they talk about

آنطور که مردم با هم سلام و احوالپرسی می کنند و چیزهایی که آنها درباره

However , maybe different from one language to another

آنها گفتگو می کنند با وجود این، ممکن است از یک زبان به زبان دیگر متفاوت باشد

This shows that is much more to learn when we learn a language

این نشان می دهد که چیزهای خیلی بیشتری هستند تا فرا گیریم زمانی که ما یک زبان را فرا می گیریم

Than just the vocabulary and the grammar of the language

تا فقط واژگان و دستور زبان یک زبان

We also have to learn the social behaviour of the people who speak it

ما باید رفتار اجتماعی مردمی که به آن زبان تکلم می کنند را هم فرا گیریم

Comprehension:

در این قسمت شما بعد از خواندن متن به سؤالات پاسخ دهید و پاسخ خود را با پاسخهای داده شده مقایسه کنید.

شما فقط پاسخ سؤالات را می‌توانید مشاهده کنید البته بعد از خواندن متن

- 1- the most usual greeting in Iran is "salam"
- 2- yes , it is a way of being polite
- 3- yes , sometimes I do
- 4- the different greeting I know in English are ; How are you? Good morning and so on
- 5- Yes it is
- 6- we may speak about transport system , such as : the buses are very slow these days
- 7- No , they aren't they are different
- 8- yes , greeting is part of our social behavior

True or False

در این قسمت مانند سایر درسها ابتدا T برای مفهوم درست و F برای مفهوم غلط را برای شما آورده‌ایم

1- T 2- F 3- F 4- T 5- F

III جملات را باید با استفاده از جوابهای a , b , c , d کامل کنید جوابها به صورت زیر می‌باشد

1- d 2- c 3- a 4- a

گرامر درس هفتم

جملات شرطی نوع دوم

دانش آموز عزیز خسته نباشید همانطور که تا این قسمت را مشاهده کردید در مورد شرطی ها شرطی نوع اول بحث شده در اینجا مجدداً در مورد شرطی ها توضیحی مختصر ارائه می شود تا مروری بر دروس شود .

۱- شرطی جمله است که از دو قسمت تشکیل شده است

الف: قسمت شرط که کلمه **If** به معنی اگر در آن است

ب: قسمت نتیجه که جواب شرط می باشد

مثال:

If he studies hard , he'll succeed in the exam

قسمت شرط

جواب شرط

اگر او سخت مطالعه کند، در امتحان موفق خواهد شد

۲- انواع شرطی: که به سه قسمت تقسیم می شوند و یک نوع هم شرطی ساده یا

صفر گفته می شود

۳- شرطی نوع صفر یا ساده: آن جمله شرطی است که هر دو طرف آن حال

ساده باشد

If you boil water , it changes to steam

اگر شما آب را بجوشانی آن به بخار تبدیل می شود که یک حقیقت علمی را بیان می کند

۴- شرطی نوع اول: که قسمت شرط آن حال ساده و قسمت نتیجه آن آینده ساده

می باشد

If he works hard , he will have a good salary

آینده ساده حال ساده

اگر او سخت کار کند، حقوق خوبی خواهد داشت

۵- شرطی نوع دوم: که قسمت شرط آن گذشته ساده و قسمت نتیجه آن آینده

ساده در گذشته می باشد

If he worked hard , he would get a good salary

آینده در گذشته گذشته ساده

اگر او سخت کار می کرد، حقوق خوبی می گرفت

۶- شرطی نوع سوم: که قسمت شرط آن گذشته کامل و قسمت نتیجه آن آینده

کامل در گذشته می باشد

If he had worked hard , he would have got a good salary

آینده کامل در گذشته گذشته کامل

اگر او سخت کار کرده بود، حقوق خوبی هم گرفته بود

۷- هرگاه قسمت شرط در آغاز و نتیجه بعد از آن قرار گیرد بین آنها کاما لازم

است ولی اگر جابجا شوند و نتیجه اول قرار گیرد دیگر کاما میان آنها لازم نیست

Will you tell him to see me if you see him?

اگر او را ببینی آیا به او خواهی گفت که مرا ببیند؟

۸- هرگاه در شرطی نوع دوم لازم باشد که از فعل tobe استفاده کنیم اگر بدانیم

امکان انجام کار بوده از was برای اول شخص و سوم شخص مفرد استفاده

می‌کنیم و اگر امکان انجام کار نبود بهتر است برای همه فاعلها از were استفاده

شود

If he was here , I would help him

۱- اگر او اینجا بود من به او کمک می‌کردم (امکان وجود او بود ولی نیامد)

If I were you , I would help him

۲- اگر من جای تو بودم به او کمک می‌کردم (امکان اینکه من جای شما باشم

نیست)

Speaking 1

این قسمت را برای خودتان بخوانید و تکرار کنید

Speaking 2

کلمات را در جمله الگو جانشین کنید و سعی کنید گرامر درس را در این

قسمت بخوبی یاد بگیرید

If they were here , I would show them the pictures

- 1- If they were here , I would borrow their car
- 2- If they were here , I would cook dinner for them
- 3- If they were here , I would tell them the truth
- 4- If they were here , I would ask them these questions
- 5- If they were here , I would buy more fruits
- 6- If they were here , I would stay here

They'd come to see you if they knew your address

- 1- They'd come to see you if they lived near here
- 2- They'd come to see you if they had a car
- 3- They' would come to see you if they weren't in a hurry
- 4- They'would come to see you if they saw your note
- 5- They'would come to see you if they received your letter
- 6- They'would come to see you if they weren't so busy

Speaking 3

با کلمات داده شده در کتاب سوال بسازید و بعد سوال را جواب دهید

به مثال کتاب توجه کنید

1- what would you do if you had a big garden?

- If I had a big garden , I would invite all my relatives there

2- where would you work if you were a professor?

- If I were a professor , I would teach in university

3- what could you buy if you had only ten tomans?

- If I only had ten tomans , I couldn't buy anything

4- what could you eat if you didn't have any teeth?

- If I didn't have any teeth , I could only eat soup

5- what would you do if you weren't a student?

- If I weren't a student , I would work in a factory

6- How could you write if you didn't have fingers?

- If I didn't have fingers I couldn't write

Speaking 4

به تصاویر در کتاب نگاه کنید و به سوالات پاسخ دهید

جوابها را می‌توانید در زیر مشاهده کنید

- 1- If the boy opened the door of the cage , the lion would eat him
- 2- If the man didn't walk carefully , he would fall down
- 3- If parvin's mother weren't in the kitchen , she would burn herself
- 4- If they played in the yard , they would break the window
- 5- If he took off his coat , he would catch cold
- 6- If the door were open , the thief would steal the money in the box

Writing 1

جملات زیر را کامل کنید

- 1- If I found ten thousand tomans in the street, **I would give it to the local mosque**
- 2- **I would work in a company** if I weren't a student
- 3- **I would be very happy** if I knew English and French perfectly
- 4- If we didn't have books , we **couldn't study our lessons at home**
- 5- If I were an English teacher , **I would try to teach my students very well**

Writing 2

پنج جمله درباره خودتان و مردمی که می‌شناسید بنویسید جملات خود را با **if** شروع کنید مانند آنهایی که در این درس دیدید و سپس جملات خود را با ما مقایسه کنید

- 1- If I were a president , I would help people very much
- 2- If he weren't in a hurry , he wouldn't hurt himself
- 3- If they studied hard , they could pass the test very well
- 4- If we were tired , we couldn't work here
- 5- If you were a doctor , you would care those sick people

Vocabulary Drill

با اضافه کردن (ing) به بعضی افعال ما آنها را به اسم تبدیل می‌کنیم.

به افعال (ing) اضافه کنید و آنها را در جملات زیر بکار ببرید

تغییر دیکته بعضی از آنها ضروری به نظر می‌رسد

Draw , swim , write , shop , run , begin

- 1- I read the book from **beginning** to end
- 2- The **writing** on the store was not clear , I couldn't read it
- 3- I have some **shopping** to do this afternoon
- 4- you are very good at **drawing** flowers
- 5- we had to practice **running** several weeks before the race
- 6- I want to learn **swimming** this summer

توضیحات

وقتی با افزودن (ing) به دنبال فعل اسم می‌سازیم این اسم را اسم مصدر می‌گویند زیرا از فعل درست شده است که در انگلیسی (Gerund) گفته می‌شود

